

سردار بهداری زهی



صبح صادق

ایام شهادت
حضرت فاطمه زهرا (س) تسلیت می‌گوییم

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و دوم | شماره ۱۱۲۱ | دوشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۲ | ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ | ۱۱ دسامبر ۲۰۲۳ | ۱۶ صفحه

دبیر سابق جنبش عدالت‌خواه گفت‌وگو با صبح صادق
جنبش دانشجویی کجا ایستاده است؟



۵
پیوست

دکتریدالله جوانی



۲
سرمقاله



۲
نگاه

فرا تر از همکاری

۱۳
جهان

میخی دیگر بر تابوت سازمان ملل

ثمانه اکوان

دبیر گروه بین‌الملل



از منظر حقوق بین‌الملل، زمانی که سؤال می‌شود پس از جنگ جهانی دوم، حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی چگونه توانسته‌اند عملکردی در ایجاد و تثبیت صلح جهانی داشته باشند؟ وجود داشتن قانونی جهانی که بتواند قدرت‌ها و کشورها را از انجام «هرآنچه می‌خواهند» باز دارد، بهتر از بی‌قانونی و آشوب و بی‌نظمی است. با این حال، بر اساس ادعای قدرت‌های جهانی به‌وجودآورنده سازمان ملل و مسئولان این سازمان، حقوق بین‌الملل تاکنون توانسته جلوی بسیاری از جنگ‌ها را گرفته یا حداقل، جنایتکاران جنگی را به مجازات‌شان برساند.

۱۱
خرد

نفوذ علوم انسانی غربی

سیامک باقری

دکترای علوم سیاسی



«بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، در فلسفه؛ آنها هستند که شاخص‌ها را مشخص می‌کنند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۲/۱۴). این گزاره که بیانگر جایگاه علوم انسانی در حیات اجتماعی است، علوم انسانی را روح دانش‌ها، جهت‌دهنده و فکرساز و تعیین‌کننده مسیر و مقصد حرکت هر جامعه‌ای می‌داند. بنابراین، طبیعی است که هر نوع مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی که بر علوم انسانی حاکم باشد، جهت‌ارزشی حیات سیاسی و اجتماعی متناسب با آن را شکل می‌دهد.

۶
بازار

تبعات افزایش چندباره دستمزدها

علی‌اکبر لبافی

معاون سابق وزیر کار



نرخ‌های افزایش دستمزد که شورای عالی کار به‌عنوان حداقل دستمزد تعیین می‌کند، اصولاً کف دستمزد به‌شمار می‌رود. به این معنا که شورای عالی کار این رقم را مصوب می‌کند و با تأکید بر این موضوع، حقوق و دستمزد نباید از این ارقام کمتر باشد. اما در سال‌های گذشته به واسطه فشار تورمی موجود، موضوع افزایش حقوق در اواسط سال و پیش از یک بار چندین بار مطرح شده است، اینکه گروه‌های کاری مرتب در طول سال به دنبال افزایش دستمزدها هستند و تأکید می‌کنند دولت یا شورای عالی کار برای افزایش دستمزد باید اقداماتی صورت دهد، از اساس ترویج یک فرمول اشتباه و غلط است.

۳
دیدگاه

خشکاندن ریشه‌های فساد

حسین چخماقی

خبرنگار



طی روزهای گذشته بسیاری از مردم خبر کشف یک فساد بزرگ در حوزه واردات چای را شنیدند؛ «کشف فساد» به اندازه نصف طلب ۷ میلیارد دلاری ایران از کره و انحصارگرایی در تخصیص ارز برای واردات چای؛ در این گزارش به بررسی این موضوع می‌پردازیم که فساد مذکور چگونه و از طریق چه نهادهایی شناسایی شد؟ خلاصه ماجرای فساد چای از این قرار است که شرکت «دبش» ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار برای واردات چای گرفته، اما بخشی از ارزها را در بازار آزاد به مبلغ بالاتر فروخته و برای یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار آن هم اصلاً هیچ کالایی وارد نکرده است.

بسپج، امنیت ملی و انتخابات

حمید جعفری

کارشناس سیاسی

مقام معظم رهبری در دیدار با بسیجیان به مناسبت هفته بسیج امسال، منطق بسیج را مقاوم‌سازی حداکثری کشور در مقابل تهدیدها و خطرهای بیان کردند. این منطق، یعنی تلاش برای رسیدن به ایران قوی و قدرتمند در همه عرصه‌ها و پرواضح است که تلاش دشمنان ملت ایران درست نقطه مقابل منطق بسیج، یعنی تضعیف کردن ایران عزیز در همه عرصه‌هاست.

تحلیل ۸ سال جنگ سخت نظامی، جنگ فرهنگی، تحریم اقتصادی و اکنون جنگ شناختی همه در جهت تضعیف ایران اسلامی توسط دشمنان ملت ایران بوده و هست.

نظام سلطه در رویکرد نبرد شناختی از طریق مشروعیت‌زدایی، اعتبارزدایی، اعتمادزدایی، قدامت‌زدایی، ناامیدسازی و ناکارآمدنمایی و سیاه‌نمایی، دنبال یک چیز هست و آن از بین بردن سرمایه اجتماعی و پشتوانه مردمی نظام است.

برکسی پوشیده نیست که مهم‌ترین مؤلفه امنیت ملی هر کشوری، سرمایه اجتماعی و پشتوانه مردمی آن کشور است که برای آن در برابر دشمنان امنیت‌آفرین است و از طرفی، با وجود امنیت است که کشور رو به جلو و در مسیر پیشرفت و تعالی و رسیدن به قله‌ها قرار می‌گیرد.

از جمله جاهایی که عیار سرمایه اجتماعی هر نظام و کشوری را عیان می‌کند، میزان مشارکت مردم در انتخابات است. هرچه میزان مشارکت بیشتر، سرمایه اجتماعی بیشتر، امنیت ملی بیشتر و به تبع آن، مسیر رشد و پیشرفت هموارتر.

مقام معظم رهبری در دیدار نوروزی با کارگزاران نظام در فروردین امسال، ضمن اشاره به مسئله انتخابات پایان سال، فرمودند:

«این انتخابات (انتخابات مجلس دوازدهم) خیلی مهم است. انتخابات می‌تواند مظهر قوت ملی باشد. اگر انتخابات درست برگزار نشود، ضعف کشور و ضعف ملت را نشان می‌دهد؛ ضعف دولت را، ضعف مسئولین را، ضعف آحاد مردم را... هر چه ما ضعیف بشویم، تهاجم و فشار دشمنان ما بیشتر خواهد شد. اگر می‌خواهید جلوی فشار دشمن گرفته بشود، باید قوی بشویم. یکی از ابزارهای مهم قوت کشور همین انتخابات است.»

بر اساس این منطق انتخابات پایان سال چنانچه با مشارکت حداکثری برگزار شود، می‌تواند مظهر اقتدار کشور شود و امنیت‌آفرین دشمنان را در طراحی نقشه‌های خصمانه ناامید کند و اگر هم خدای ناکرده با مشارکت ضعیف، آنها را امیدوار می‌کند به اقدامات خصمانه علیه کشور.

حال با منطق بسیج که دنبال مقاوم‌سازی کشور علیه تهدیدات هست، وظیفه همه بسیجیان زمینه‌سازی برای مشارکت حداکثری در انتخابات است. گفتنی است مراد و منظور از بسیج، فرمایش مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ است که فرمودند: «وقتی می‌گوییم «بسیج»، مراد ما فقط یک مجموعه نظامی و ملمس به لباس نظامی و آموزش‌های نظامی نیست؛ بلکه بسیج، یعنی مجموعه انسان‌هایی که نیروی خودشان را به میدان می‌آورند تا در جهاد عمومی کشور و ملت‌شان، در جهت رسیدن به قله‌ها فعال باشند و با آنها همکاری کنند و در کارشان سهیم باشند.»

با این تعریف، همه کسانی که علاقه‌مند به قوی‌شدن و پیشرفت و تعالی ایران هستند، می‌بایست در این عرصه نقش‌آفرین باشند.

هدف صهیونیست‌ها از نسل‌کشی چیست؟

است. تنها تهدید برای تمدن کنونی غرب، پیدایش تمدن نوین اسلامی است. مسلمانان یک دوره تمدنی را در پیشینه خود دارند و غربی‌های نگران از قد علم‌کردن مجدد مسلمانان برای ساخت تمدن نوین دیگر، مانع بزرگی به نام اسرائیل غاصب را در پیکره امت اسلامی همانند یک غده سرطانی ایجاد کردند. وظیفه این غده سرطانی، ایجاد اختلاف در میان مسلمانان، فرقه‌سازی، نفوذ در ساختارهای کشورهای اسلامی، وابسته‌کردن مسلمانان، ترویج فساد و فحشا، جنگ‌افروزی میان مسلمانان و جلوگیری از پیشرفت کشورهای اسلامی است.

بنابراین در طول ۷۵ سال گذشته، غرب با این هدف راهبردی که برای موجودیت رژیم صهیونیستی تعریف کرده، از او در راستای جنایات و نسل‌کشی‌های حمایت و پشتیبانی کرده است.

ششم: حال که در گام دوم انقلاب اسلامی، همه نشانه‌ها از نابودی این رژیم جعلی حکایت می‌کند، غرب به‌شدت نگران موجودیت آن شده است.

هفتم: به این ترتیب نقطه هدف در این نسل‌کشی تبیین شد، باید گفت کشتارهای روزافزون صهیونیست‌ها در غزه، هرگز نمی‌تواند تضمین‌کننده تداوم حیات ننگین آنان باشد. زوال و نابود این رژیم نامشروع و غاصب کودک‌کش، بر اساس سنت الهی، امری قطعی است. ان‌شاءالله به‌زودی این مانع تمدنی از سر راه وحدت و اعتلای امت اسلام برداشته خواهد شد و ملت ایران در گام دوم، فرایند ساخت تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور را با قوت هر چه تمام، با کمک اضلاع مقاومت و دیگر ملت‌ها به نتیجه خواهند رساند.

زتر سال ۱۹۷۶، دو اردوگاه صبرا و شیتلا سال ۱۹۸۲، الخلیل سال ۱۹۹۴، قانا سال ۱۹۹۶، اردوگاه جنین سال ۲۰۰۲ و چندین جنایت از سال ۲۰۰۸ تا قبل از عملیات طوفان الاقصی در غزه.

در این ۷۵ سال بیش از صد هزار فلسطینی شهید، صدها هزار نفر مجروح، ده‌ها هزار نفر بازداشت و زندانی و میلیون‌ها نفر آواره شدند. سؤال مهم این است که چرا غرب با آن همه ادعاهای حقوق بشری در ۲۰۰ سال گذشته، نه‌تنها چشم بر این جنایات می‌بندد، بلکه خود در واقع عامل اصلی این جنایات است؟

چهارم: در جنگ جاری غزه که به‌طور معجزه‌آسا و برخلاف همه محاسبات و معادلات، با وجود همه نوع جنایت جنگی صهیونیست‌ها، همچنان دست برتر با مقاومت است، غرب برای نجات رژیم صهیونیستی با تمام توان به میدان وارد شده است. دلیل این نوع نگاه خاص غرب به اسرائیل غاصب و تلاش نامحسود برای حفظ آن را می‌توان از عبارت رئیس این رژیم فهمید. «اسحاق هرتزوک»، رئیس رژیم صهیونیستی، سه‌شنبه ۱۳ آذر در مصاحبه‌ای گفت: «جنگ در غزه فقط جنگ بین اسرائیل و حماس نیست، بلکه جنگی برای نجات تمدن غرب است.»

پنجم: نگارنده بر این اعتقاد است که آقای هرتزوک ناخواسته از ماهیت نبرد ۷۵ ساله صهیونیست‌ها با مسلمانان پرده برداشت. به عبارتی می‌توان گفت از اساس ایجاد رژیم صهیونیستی در پیکره امت اسلامی، با جغرافیای اولیه از نیل تا فرات، برای حفظ تمدن غرب از طریق جلوگیری و مانع‌گذاری در مسیر خیزش مجدد مسلمانان برای بنای تمدن نوین اسلامی

بشردوستانه و دفاع از حقوق انسان‌ها، دفاع از حقوق زنان و کودکان، دفاع از صلح و امنیت در جهان، بسیاری از کشورها و ملت‌ها و از جمله ایران اسلامی را تحت شدیدترین فشارها، تحریم‌ها و تهدیدها قرار داده، حتی کشورهایی را با همین بهانه‌ها اشغال یا دولت‌های آنها را سرنگون کرده‌اند.

دوم: غرب و مدعیان انسان‌دوستی و مدافعان حقوق بشر، در ۷۵ سال گذشته در قبال جنایات رژیم غاصب و کودک‌کش صهیونیستی، نه‌تنها مواضع و رفتاری متفاوت داشته و هیچ‌گاه صهیونیست‌ها را تحت فشار قرار نداده‌اند، بلکه پشتیبانی از این جنایت‌ها را هم برعهده داشته‌اند. سوم: آنچه این روزها از بمباران‌ها و کشتارهای بی‌رحمانه از مردم غیرنظامی غزه در سطح نسلی کشی و فشار برای کوچ اجباری جمعیت، در معرض دیدگان جهانیان قرار دارد، به نوعی فشرده جنایات صهیونیست‌ها در طول ۷۵ سال گذشته است. همانطور که امروز، دولت‌های غربی و خصوصاً آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها و... از جنگ و جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه حمایت و پشتیبانی می‌کنند، در تمامی جنایات این رژیم در ۷۵ سال گذشته، همین نقش حمایتی و پشتیبانی را داشته‌اند. نمونه‌هایی از این جنایات که در تاریخ ثبت شده، عبارت است از: شهادت حدود ۲۵۰ فلسطینی در جنایت روستای دیرپاسین در سال ۱۹۴۸، شهادت حدود ۲۵۰ نفر در جنایت روستای طنظوره در سال ۱۹۴۸، شهادت ۴۹ کارگر فلسطینی از روستای کفرقاسم در سال ۱۹۵۶، شهادت هزاران نفر در جریان جنایات رژیم صهیونیستی در خان یونس سال ۱۹۵۶، تل

فراتر از همکاری

با یکدیگر جمع شود. از این حیث، مناسبات ایران و کوبا، فراتر از سطح همکاری تعریف می‌شود. در اینجا ما با کلید واژه‌ای تحت عنوان هم‌افزایی مواجه هستیم

در روند هم‌افزایی دو بازیگر، افق همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی طرفین در فرامتن و چارچوبی فراتر از مناسبات دوجانبه تعریف می‌شود. قطعاً این هم‌افزایی، قدرت ترکیبی بازیگران مؤثر در غرب آسیا و آمریکای لاتین را در مواجهه تمام‌عیار با توطئه‌ها و استراتژی‌های مخرب غربی-صهیونیستی افزایش داده و روند آسیب‌پذیری دشمنان در نظام بین‌الملل را از این طریق تشدید می‌کند.

به فاصله کوتاهی از این حضور سفر رئیس جمهور به روسیه نیز نشانه دیگری از شکل‌گیری نظامی تازه با محوریت تهران را به نمایش گذاشت و تصاویر بدرقه سید ابراهیم رئیسی از کرملین در رسانه‌های جهان تیتراژ شد.

دفره‌سازی الگوهای سلطه‌گری غرب و گذار به نظم جدید جهانی (بسر مبنای نقش‌آفرینی بازیگران غیرغربی)، محصول این هم‌افزایی خواهد بود. یکی از اصلی‌ترین وظایف دستگاه دیپلماسی کشورمان، تبدیل این مطالبه رهبر انقلاب به یک الگوی راهبردی و مؤلفه ثابت استراتژیک در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

آمریکای لاتین جلوه یافته، روز به روز بیشتر می‌شود و دکترین‌های بازدارنده دولت‌های آمریکا را یکی پس از دیگری خنثی ساخته است.

نکته مهم‌تر اینکه سفر رئیس‌جمهور کوبا به تهران، درست در بنبوده جنگ غزه و تشدید صهیونیسم‌ستیزی در غرب آسیا، آمریکای لاتین و جهان صورت گرفته است. راز ابراز نگرانی شدید سیاستمداران و رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی از تعمیق مناسبات تهران-هاوانا در همین حقیقت ریشه دارد. کوبا و ونزولا دو کشوری بوده‌اند که قبل از وقوع جنگ غزه و از سال‌هایی دور، مناسبات سیاسی خود را با تل‌آویو قطع کرده‌اند. موضع‌گیری سلبی و تحسین‌برانگیز دولت‌های کلمبیا، شیلی و بولیوی علیه رژیم اشغالگر و کودک‌کش صهیونیستی در جریان جنگ غزه و شکل‌گیری هسته‌های گسترده اجتماعی در مخالفت مطلق با موجودیت و ماهیت نامشروع رژیم اشغالگر قدس، قدرت ابتکار عمل غرب در آمریکای لاتین را از استراتژیست‌ها و سیاستمداران آمریکایی و صهیونیستی سلب کرده است.

تاکنون رهبر معظم انقلاب اسلامی بر لزوم ائتلاف‌سازی جهانی علیه جریان سلطه و زور با محوریت تهران و هاوانا، بیانگر ظرفیت‌های بالقوه و بالفعلی است که باید در این مسیر انسانی و جهانی

ظرفیت‌های طرفین در مواجهه با دشمنانی مشترک، بیش از پیش به هراس کاخ سفید و رژیم اشغالگر قدس و متعلقات آن منجر شده است.

زنجره سوسیالیستی تشکیل‌شده در آمریکای مرکزی و جنوبی، همواره فرمول‌ها و ثوابت راهبردی و تاکتیکی غرب در آمریکای لاتین را به چالش کشیده و مانع تقویت و تثبیت حاکمیت جریان زور در همسایگی آمریکای شمالی شده است. از سوی دیگر، تهران در طول بیش از ۴۴ سال سپری‌شده از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، به‌مثابه یک بازیگر مولد گفتمان مقاومت، توانسته ادبیات و مصادیق پایداری را به آن سوی مرزها (در ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) صادر کند.

بر همین منبنا، جایگاه ایران و کوبا در ایجاد و استمرار نظم نوین جهانی منحصراً به‌رود است: هر دو بازیگر گذار از جریان سلطه را پیش شرط ترسیم مختصات دنیای جدید تلقی کرده و نقش مؤثری در ایجاد ائتلاف علیه جریان زور ایفا کرده‌اند. جنگ ترکیبی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان آمریکا و شبکه حامی-پیرو غرب و رژیم صهیونیستی در مواجهه با هر دو بازیگر ناکام مانده و تحریم و تهدید و جنگ، اثری در حرکت رو به جلوی تهران و هاوانا در نظام بین‌الملل نداشته است. قدرت ائتلاف‌سازی دو بازیگر، که یکی در غرب آسیا و دیگری در

آرمانخواهی واقع‌گرایانه

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس در مراسم بزرگداشت روز دانشجو خطاب به حضار، با بیان اینکه به یکایک شما افتخار می‌کنم و آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری را رسالت تمام شما می‌دانم، عنوان کرد: امروز مسئولان باید به این نکته توجه داشته باشند که آرمان‌گرایی توأم با واقع‌بینی و شجاعت است که کشور را نجات می‌دهد. رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به مطالب یکی از دانشجویان درباره عدم روشن بودن موضع مجلس درباره شفافیت، توضیح داد: تنها طرحی که در مجلس به‌عنوان نخستین نفر به امضارساندم.

وتوی سیاه

«عزت الرشق» عضو دفتر سیاسی جنبش حماس گفت: وتوی آمریکا علیه پیش‌نویس قطعنامه شش‌جانبه شورای امنیت که خواستار آتش‌بس در غزه است، موضعی غیراخلاقی و غیرانسانی است. عضو دفتر سیاسی جنبش حماس تأکید کرد، مانع‌تراشی و واشنگتن در صدور قطعنامه برای توقف جنگ، مشارکت مستقیم با اشغالگران در کشتار ملت فلسطین و ارتکاب جنایات بیشتر در پاک‌سازی قومی است. شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از تأیید ۱۳ کشور، مخالفت و وتوی آمریکا و رأی ممتنع بریتانیا، در تصویب قطعنامه برای آتش‌بس بشردوستانه در غزه ناکام ماند.

شکست مطلق

وزیر امور خارجه در جمع دانشجویان گفت: رژیم صهیونیستی در ابتدای درگیری‌ها می‌خواست حماس را نابود کند، اما نتوانست. خواستند اسرای خود را آزاد کنند ولی نتوانستند، در نهایت به جایی رسیدند که گفتند خانه فلان طراح عملیات طوفان الاقصی را شناسایی یا منهدم کردیم. حسین امیرعبدالله‌پان ادامه داد: آمریکا و اسرائیل برای ادامه جنگ و چگونگی آتش‌بس راهبردی ندارند. گروه‌های مقاومت گفتند که تا امروز فقط ۱۰ الی ۱۲ درصد نیروهای خود را درگیر جنگ کرده‌اند و خودشان را آماده چندین ماه جنگ با اسرائیل کرده‌اند.

خشکاندن ریشه‌های فساد

پرونده فساد چای چگونه کشف شد؟



حسین چخماقی

خبرنگار



طی روزهای گذشته بسیاری از مردم خبر کشف یک فساد بزرگ در حوزه واردات چای را شنیدند؛ «کشف فسادی به اندازه نصف طلب ۷ میلیارد دلاری ایران از کره و انحصارگرایی در تخصیص ارز برای واردات چای»؛ در این گزارش به بررسی این موضوع می‌پردازیم که فساد مذکور چگونه و از طریق چه نهادهایی شناسایی شد؟

خلاصه ماجرای فساد چای از این قرار است که شرکت «دیش» ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار برای واردات چای گرفته، اما بخشی از ارزشها را در بازار آزاد به مبلغ بالاتر فروخته و برای یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار آن هم اصلاً هیچ کالایی وارد نکرده است. بر اساس اسناد، شرکت مذکور از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ مجموعاً معادل ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار ارز نیماهی دریافت کرده که از این مبلغ حدود یک میلیارد و ۴۷۲ میلیون دلار تأمین شده برای ماشین‌آلات و مابقی برای واردات چای بوده، اما این ارز را در بازار آزاد به مبلغ بالاتری فروخته است.

«حجت‌الاسلام خطیب»، وزیر اطلاعات دولت، روز ۱۵ آذر در جلسه هیئت دولت با اشاره به اینکه تخلف واردات چای، ابتدا در دولت شناسایی شد و وزارت اطلاعات به‌عنوان ضابط، گزارش آن را به قوه قضائیه ارائه کرد، گفت: «این تخلف از سال ۱۳۹۸ آغاز شده بود و در سال اول این دولت شناسایی و با عوامل آن برخورد صورت گرفت و متخلفان از جمله عوامل شرکت مذکور و برخی کارکنان دولت، حسب

مورد به دادرسی تهران و هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری معرفی شده‌اند.» حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی، رئیس دولت سیزدهم نیز در واکنش به گزارش وزیر اطلاعات، ضمن قدردانی از اقدامات نهادهای دولتی در شناسایی و معرفی متخلفان به دستگاه قضایی، با بیان اینکه از مهم‌ترین اصول مبارزه جلدی با فساد، پرهیز از رویکردهای سیاسی در فسادستیزی است، تصریح کرد: «تخلف ارزی مربوط به واردات چای، ابتدا از سوی بخش‌های متولی در دولت شناسایی شد و برخوردهای قانونی با آن صورت گرفت. ضرورت دارد گزارش اقدامات در مبارزه با فساد مذکور به مردم اطلاع‌رسانی شود.»

از سوی دیگر، حجت‌الاسلام والمسلمین «محسنی‌اژه‌ای» رئیس دستگاه قضا روز ۱۶ آذر در دانشگاه محقق اردبیلی شهر اردبیل و در حضور دانشجویان این استان، ضمن قدردانی از همکاری مؤثر دولت با بخش‌های قضایی در راستای شناسایی و تعقیب فساد حوزه چای، به نحوه ورود سازمان بازرسی به موضوع اشاره کرد و گفت: «آن فردی که ریالش را به بازار برده بود تا برای به اصطلاح وارداتش ارز بگیرد، به یکی از زیرمجموعه‌های شرکت دیش مراجعه می‌کند تا ارز دریافت کند؛ از اینجا بازرسی به ماجرا ورود پیدا کرد که شرکت دیش این مقدار ارز را از کجا آورده است. یعنی سازمان بازرسی از آن پرونده به پرونده حاضر رسید. البته فرد به اصطلاح واردکننده اکنون در بازداشت و طی مراحل محاکمه است. از سوی دیگر وزارت اطلاعات نیز به موضوع وجود مقدار قابل توجهی چای در گمرک حساس شد. همچنین گزارشی نیز از اتحادیه مرتبط با چای کاران و واردکنندگان چای ناظر بر ارزش‌های تخصیصی به یک شرکت خاص، به معاون اول رئیس‌جمهور واصل شد و وی با

حساسیت تمام، مسئولان مربوطه در ستاد مقابله با فساد اقتصادی را مسئول رسیدگی به موضوع کرد. کلیه بررسی‌ها بیانگر تخلف گروه دیش بود و مشخص شد این تخلف از سال ۱۳۹۸ آغاز شده و تا اواخر ۱۴۰۱ ادامه داشته است. طبق گزارش‌های موجود، در سال ۱۳۹۸ بیش از دو میلیون دلار یا معادل دلار، در سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۲۱ میلیون دلار ارز به شرکت مزبور تخصیص یافت؛ اما در سال ۱۴۰۰، ۶۰ درصد ارز واردات را به این گروه داده‌اند و در سال ۱۴۰۱ بیش از ۷۰ درصد ارز را این گروه گرفته است. در مجموع طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱، بالغ بر ۶۹ درصد از ارز مربوط به واردات چای به این شرکت تخصیص یافته است که تخلف است. به

نهایت اهتمام و قاطعیت به عمل خواهد آمد و نتیجه پیگیری‌ها، هر چه باشد، به استحضار همه مردم خواهد رسید.» «بهداری جهرمی» سخنگوی دولت نیز با اشاره به این اظهارات رئیس دستگاه قضا گفت: «این اظهارات، مؤید گزارش کشف فساد چای در بخش‌های نظارتی دولت در سال گذشته و نشان‌دهنده همدلی و جدیت هر دو قوه برای مبارزه با فساد و ریشه‌های آن است.»

چند ماه پیش و قبل از فراگیر شدن خبر فساد حوزه واردات چای، حجت‌الاسلام «درویشیان» رئیس دفتر بازرسی ویژه رئیس‌جمهور هم در مصاحبه‌ای که ابتدای سال جاری با یکی از خبرگزاری‌ها انجام داده بود، به ماجرای کشف یک فساد در حوزه چای اشاره کرد و گفت: «اواخر سال ۱۴۰۱ به دنبال برخی اطلاعات واصله از جمله نامه جمعی از فعالان صنعت چای به معاون اول رئیس‌جمهور، وی ضمن دستور به توقف فوری روند ناصحیح، ستاد مبارزه با فساد اقتصادی و بازرسی ریاست‌جمهوری را موظف کرد با همکاری دستگاه‌های اطلاعاتی و قضایی موضوع را پیگیری کنند. با ورود به موقع دولت جلوی این کار گرفته شد و فرد متخلف ممنوع‌الخروج و برخی اموالش مصادره گردید و پرونده‌اش نیز به دستگاه قضایی رفته است.»

نکته حائز اهمیت در جریان کشف فساد واردات چای و برخورد با خاطیان آن، این است که پیگیری‌ها و اقدامات مجدانه نهادهای دولتی و دستگاه قضایی در شناسایی و برخورد با خاطیان این تخلف که از چند ماه پیش آغاز شده بود، بار دیگر این گزاره را به اثبات رساند که «فساد در کشور ما ساختاری و سیستمی نیست»؛ چراکه در هیچ کجای دنیا، فساد سیستمی و ساختاری از طریق دولت پیگیری و کشف نمی‌شود.

روزنه

بازگشت به دوران بربریت

رضا قارزی

کارشناس سیاسی



در نقد و بررسی مواضع سران رژیم اشغالگر، همراهان و رؤسای آمریکایی-اروپایی آنان، در جنگ اخیر و قتل عام بشری در غزه در دوران ادعای لیبرال دموکراسی غرب هیچ‌گونه رویکردی به نام انسانیت، حقوق بشر، شرافت، مشروعیت، امنیت، حفظ انسان‌ها و دیگر مفاهیم و اصطلاحات راهبردهای مطرح در نظام بین‌الملل غرب دیده نمی‌شود؛ در ادامه به برخی نکات عینی آن می‌پردازیم:

۱- «بن‌گور» وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی در شبکه ایکس خطاب به ارتش رژیم صهیونیستی نوشت: «برای کودکانی که برنگشته‌اند، برای کشته‌شده‌هایی که هرگز بر نمی‌گردند و برای اینکه وحشت ۷ اکتبر هرگز برنگردد، باید برگردیم و غزه را با همه قدرت‌مان له کنیم. باید حماس را نابود کنیم و بدون هیچ مصالحه و توافقی به نوار غزه برگردیم.» ۲- وزیر دفاع، ارشدترین مقام دولتی و نظامی دولت آمریکا، عنوان داشت: «جنگ مقاومت با روسیه از سوی نشان از درک و فهم سران شیطان بزرگ از عظمت فاجعه رخ داده برای رژیم اشغالگر قدس دارد.» ۳- «جیمی کارتر» رئیس‌جمهور سابق آمریکا به فلسطین رفت و پس از دیدن اوضاع شوکه شد. خبرنگار از او می‌پرسد: «چه دیدی؟» او می‌گوید: «یک شکنجه حقوق بشری در حال رخ دادن است.» خبرنگار می‌پرسد: «پس چرا کاری نمی‌کنند؟» پاسخ می‌دهد: «من به‌عنوان یک مسیحی در سیاست آمریکا به همراه خیلی‌های دیگر به قانون متعهد هستیم.» ۴- خبرنگار العالم در غزه گزارش داد رژیم صهیونیستی سعی می‌کند با قطع ارتباطات و اینترنت مانده در غزه به مدت ۱۲ ساعت این منطقه را از عالم خارج جدا کند. ۵- پس از تهدید رئیس «ششین بت» مبنی بر اینکه اسرائیل رهبران حماس را در سراسر جهان از جمله در ترکیه و قطر ترور خواهد کرد، اطلاعات ترکیه (میت) به اسرائیل در خصوص عملیاتی که موساد در خاک ترکیه انجام می‌دهد، هشدار داد. ۶- مردم سرزمین‌های اشغالی نتانیاو را باعث و بانی عملیات طوفان الاقصی می‌دانند. افکار عمومی، برخی چهره‌های سیاسی و مقامات رژیم، خواهان استیضاح و برکناری نتانیاو هستند. صهیونیست‌های مهاجر به این سرزمین بعد از نبرد، آنجا را مناسب زندگی و سرمایه‌گذاری نمی‌دانند. دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی اعتبار خود را نزد افکار عمومی از دست داده‌اند. مردم دیگر گنبد آهنین و دیوار حائل را عامل امنیت و آرامش نمی‌دانند. رژیم دیگر عوامل بازدارندگی در اختیار ندارد. تبدیل آتش‌بس موقت و تمهید آن به آتش‌بس طولانی پس‌لرزه‌های شساید امنیتی، اقتصادی، سیاسی و... به دنبال دارد.

پرمش مهم؛ آیا اسرائیل قادر به خروج از این محاصره بزرگ نسل‌کشی که گرفتار آن شده، خواهد بود؟ دنیا تا چه حد از آنچه در غزه گذشته و می‌گذرد، می‌داند و چه خواهد کرد؟

نکته پایانی؛ جنگ فعلی برای رژیم جعلی یک جنگ وجودی است؛ یا باید اهداف خود را محقق کند یا به دلیل ساختار میلیتاری حکومتی دچار فروپاشی خواهد شد. این جمله پیرمرد فلسطینی منتشر شده در رسانه‌ها خطاب به دنیا خواندنی است: «غزه مگر با جهان چه کار کرده که این چنین بی‌رحمانه بمباران و قتل عام می‌شود؟ ما جز زندگی کریمانه، عزتمندانه و آزادی چه چیزی خواهیم؟ بایند، تو کشورت را ابرقدرت جهان می‌دانی، آن وقت به کشتار زنان و کودکان غزه می‌پردازی؟»



بمنی‌های پای کار/ تظاهرات ضد صهیونیستی و در حمایت از فلسطینیان غزه در صناعا، پایتخت یمن برگزار شد. بمنی‌ها از آغاز حملات رژیم صهیونیستی نشان داده‌اند که به فکر دیگر مظلومان دنیا هستند؛ در حالی که خود چندین سال است در معرض ظلم قدرت‌های غربی قرار دارند.



لعنت بر خونخواران/ به‌رغم آنکه مردم غزه به‌طور گسترده اقدام به اهدای خون می‌کنند، اما به دلیل افزایش تعداد مجروحان در بیمارستان‌ها به‌ویژه بیمارستان یوفا با کمبود شدید ذخایر خونی مواجه‌اند.



پیچیده دوباره بوی شهدا/ مراسم تشییع پیکر شهدای مدافع حرم «سیدمصطفی صادقی» و «مهدی ذاکر حسینی» در شهرک اکیاتان تهران برگزار شد. پیکر این شهدا بعد از حدود ۶ سال به کشورمان برگشته است.



جنس غم مهمه؟/ روایت تصویری دردناک عکاس فلسطینی از تصاویری که سال گذشته از جام جهانی ثبت کرده با تصاویر این روزهای غزه که نشان می‌دهد برای توجه جهانیان، جنس غم و غمه و شادی مهم است.



روابط ویژه / حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی، رئیس‌جمهور کشورمان با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در کاخ کرملین دیدار و گفت‌وگو کرد. احترام پوتین و استقبال و بدرقه گرم وی در این سفر بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت.



بازگشت به اصل خویش/ تصویر عریان کردن شماری از مردم غزه به دست ارتش اشغالگران که شباهت زیادی به عملکرد داعش دارد. جای سؤال است که داعشی‌ها شباهت به صهیونیست‌ها داشتند یا این حوی وحشی‌گری و ضدانسانی، مدت‌ها در سرشت این رژیم بوده است؟

اخبار

«محسن هاشمی»، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی گفت:

«ادعاهای مطرح شده پیرامون داوطلبی بنسله در انتخابات ریاست جمهوری صرفاً یک گمانه‌زنی زود هنگام است. اینکه هنوز انتخابات مجلس را پشت سر نگذاشتیم، ناگهان از انتخابات ریاست جمهوری می‌گویند این نوعی گمانه‌زنی زود هنگام محسوب می‌شود که باید منظور خودشان را از این کار توضیح دهند.»

«اسدالله بادامچیان»، دبیرکل حزب مؤتلفه

با بیان اینکه طبق اطلاعات مردمی تعداد درخور توجهی از اصلاح‌طلبان ثبت‌نام کرده‌اند، می‌گوید: «پیشنهاد دارم وزیر محترم کشور جلساتی درباره عدم تأیید شده‌ها با اعضای هیئت اجرایی تشکیل دهد دلایل و پاسخ‌ها را بشنود و اگر مواردی بود که دلایل کافی نبود، اقدام لازم را به عمل آورد.»

«مهدی شیرزاد»، «سیدفرید موسوی» و

«امیرا جلوداری» سه نفر از اعضای اصلی

حزب اتحاد ملت صرفاً به دلیل نام‌نویسی در انتخابات مجلس از این حزب اخراج یا مجبور به استعفا شده‌اند. گفته می‌شود در حزب اتحاد سیاست غالب، تحریم انتخابات است و هر نیرویی که دیدگاهش خلاف این نظر باشد، اخراج می‌شود. این حزب مدت‌هاست که عملاً راه اپوزیسیون خارج‌نشین را می‌رود. آنها دیگر تعارف را کنار زده‌اند و بی‌پرده از تحریم انتخابات حرف می‌زنند و تمام تلاش‌شان را به کار گرفته‌اند تا همه اصلاح‌طلبانی که به مشارکت در انتخابات باور دارند، به حاشیه رانده شوند.

وزیر کشور درباره برخی اظهارنظرها در زمینه نگاه امنیتی برخی مدیران وزارت کشور به موضوع انتخابات با توجه به انتخاب برخی استانداران نظامی گفت: «حتماً این نوع اظهارنظرها غلط است و یک نوع قضاوت غیر صحیحی است. بعضاً از ادبیاتی استفاده شده که ادبیات غیر واقعی است.» «احمد وحیدی» خاطر نشان کرد: «همین الان با این تعداد تأیید صلاحیت شده‌ها از هیئت‌های اجرایی، در واقع هیچ‌وقت در هیچ دورانی این مقدار را نداشته‌ایم. ۱۷ هزار و ۵۰۰ نفر از سوی هیئت‌های اجرایی تأیید شدند. تعداد قابل توجهی از اینها به میزان ۱۴ درصد عدم احراز شدند، عدم احراز یعنی چه؟ یعنی هیئت اجرایی فرصت کافی نداشته که با بردن سندهای کافی می‌تواند تأیید شوند. ۳۰ درصد از اینها علت‌شان این بود که اسناد آن ۵ سال سابقه خدمت را نتوانستند فراهم کنند. می‌تواند بروند فراهم کنند و مشکل خودشان را حل کنند.»

«سردار فدوی» گفت: «برای اینکه یک

نفر رئیس جمهور شود، سپاه سر سوزنی خود را خرج او نمی‌کند.» جان‌نشین فرمانده کل سپاه در جمع دانشجویان دانشگاه جندی‌شاپور اهواز گفت: «همه می‌توانند فدای سپاه بشوند؛ چون پاسدار انقلاب اسلامی است، ولی سپاه و یک پاسدار فدای هیچ بنی بشری نمی‌شوند. ما برای اینکه یک نفر نماینده و رئیس جمهور شود، به اندازه سر سوزنی سپاه و خودمان را خرج او نمی‌کنیم. چون اصلاً مهم نیست. مهم دستور رهبر معظم انقلاب است، یعنی مشارکت حداکثری؛ مشارکت حداکثری هیچ ربطی به کاندیدای خاصی ندارد.»

نظارت استصوابی در مصاف با فساد

است. نظارت استصوابی اقدامی مثبت برای حضور افرادی پاک سرشت و پاک‌دست در امر کارگزاری و تصدی امور است.

با وجودی که نظارت استصوابی در حاکمیت چنین نقش مثبت و سازنده ای دارد، جبهه معارض متظاهر به فساد ستیزی به شدت با آن مخالف است و همواره خواهان رفع آن هستند. آنان حتی در توجیه خواسته خود مساله اصل بر برانت را پیش می‌کشند.

یکی از پارادوکس‌های جبهه معارض در همین کاربست اصل برانت در نفی نظارت استصوابی است. زیرا ادعوی فساد سیستمی با اصرار بر اصل برانت سازگاری ندارد. نمی‌توان از سویی حاکمیت را به فساد سیستمی متهم کرد و از سویی دیگر خواهان کنار گذاشتن نظارت استصوابی شد.

اگر دروغ فساد سیستمی راست باشد، ضرورت نظارت استصوابی هم دو صد چندان می‌شود. بنابر این، اگر دغدغه مبارزه با فساد را داریم، نباید با اقدامات پیشگیرانه مانند نظارت استصوابی مخالفت کرد بلکه باید به استقبال آن رفت و از آن دفاع کرد. مخالفت با نظارت استصوابی بیانگر جدی نگرفتن مبارزه با فساد است.



اما یکی از دلایل مهم نبودن مساله فساد نزد جبهه معارض و معاند، برخورد سرد و بلکه تند آنان با اقدامات پیشگیرانه است. یک نمونه آن مبارزه سر

ساخته این جریان با نظارت استصوابی است. اساس ایده نظارت استصوابی بر فکر سالم سازی و فساد ستیزی پیشگیرانه در دستگاه اجرایی استوار است. نظارت استصوابی مهم ترین ساز و کار پیش

گیری از وقوع فساد و نهاده شدن آن در حاکمیت

در جریان محاکمه شهردار یکی از کلان شهرها سعی در تبرئه و تطهیر و نا چیز شمردن جرم او را داشتند. حتی همان زمان یکی از روزنامه چی های شان وجود فساد در کلان شهرهای مدرن را امری طبیعی می دانست. البته این حرف چندان هم بی ربط نیست. چون خاستگاه مفهوم "فساد سیستمی (Systemic corruption)" همان شهرهای متروپل مدرن است.

نشانه‌های اختلاف

اعضای میانه‌روی آن شکل گرفته و با نزدیک تر شدن به انتخابات مجلس شورای اسلامی امسال، شاهد پررنگ تر شدن آن هستیم. رویکرد برخی چهره‌ها و گروه‌های تعریف‌شده در دل جریان اصلاح طلب مبنی بر گذار از قانون اساسی و تغییر ماهوی آن، آزادی بی حد و حصر در خصوص حجاب، تحریم انتخابات و... با مشی برخی دیگر از گروه‌ها و احزاب تعریف‌شده در جریان اصلاحات هم خوانی ندارد. اختلافات صورت گرفته در حزب اتحاد ملت بر سر رویکرد افراطی و ضدانقلابی صریح «آذرمنصوری» و دیگر اعضای ارشد آن مجموعه نیز ریشه در تقابل میان دو طیف تندرو و میانه‌رو در جریان اصلاحات دارد. به نقل از پایگاه بصیرت

جایی رسید که سخام نیزوز دست به سانسور برخی مواضع کروی یا تحریف آنها زد. به عبارت بهتر، سخام نیزوز از پایگاه رسانه‌ای حزب اعتماد ملی و مهدی کروی، به یک پایگاه تولید فکر و گفتار در حمایت از براندازی در کشورمان تبدیل شد و هر کجا مواضع کروی و دیگر اعضای حزب اعتماد ملی با این مشی هم خوانی نداشت، خبری از انعکاس آنها در کانال و سایت مذکور نبود! همین مسئله منجر به تأکید کروی و برخی اعضای ارشد حزب اعتماد ملی مبنی بر لزوم جایگزینی رسانه‌ای دیگر و قطع تعلق خاطر سخام نیزوز به این مجموعه بود.

نکته دوم، مربوط به تقابل آشکاری است که میان طیف برانداز (افراطی) جریان اصلاح طلب و

تغییر می‌دهیم.» در نگاهی ابتدایی، مخاطبان به‌سادگی متوجه می‌شوند دلیل تغییر کانال و پایگاه سخام نیزوز، اختلافات آشکار با حزب اعتماد ملی و شخص دبیر کل سابق آن (مهدی کروی) است. اما سؤال اصلی اینجاست که این اختلاف چرا و چگونه طی ماه‌های اخیر شدت گرفته و به نقطه کنونی رسیده است؟ این خصوص دو نکته اساسی وجود دارد که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آنها گذشت:

نخست اینکه سخام نیزوز در سال گذشته و هم‌گام با اغتشاشات ضدایرانی، علناً به یک رسانه برانداز تبدیل شد و ادعای اولیه و دروغین خود در خصوص مرزبندی با ضدانقلاب را زیر سؤال برد. حتی کار به

پرسش

رقابت در انتخابات خبرگان



نوعی رویکرد انتقادی و ادبیات نقادانه آمیخته است که گاه متأسفانه مرزهای تخریب و سیاه‌نمایی را نیز درمی‌نورد و سایه سیاه کینه و اختلاف و کدورت را بر قلب‌ها می‌گستراند که حاصلی جز اعتبارزدایی از نمایندگان منتخب به همراه نخواهد داشت.

حال تصور شود که همین شیوه رقابت انتخاباتی که در میدان‌های مختلفی همچون انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا حاکم است، دقیقاً در این انتخابات نیز جاری شود. در این شرایط معلوم نیست چه زمین سوخته‌ای بعد از پایان انتخابات برای سرمایه‌های علمی و اخلاقی کشور به جای خواهد ماند.

لازمه چنین وضعیتی این است که همه جریان‌ها و فعالان سیاسی کشور با نگاهی فرابحناحسی و مبتنی بر منافع ملی به این میدان بنگرند و تلاش کنند از دو قطبی‌سازی ناصواب این میدان بکاهند. ملت نیز با هوشیاری بازی خورده جریان‌های سیاسی نباشند که مصالح زودگذر را بر مصالح بلندمدت ترجیح می‌دهند. نامزدهای محترم نیز با توجه به دغدغه‌های برشمرده هوشیارانه وارد میدان رقابت‌های انتخاباتی شوند.

مختصات مجلس خبرگان رهبری به نحوی است که رقابت‌های انتخاباتی، آن را از انتخابات دیگر متمایز می‌کند. نامزدهای خبرگان رهبری را چهره‌هایی تشکیل می‌دهند که دارای جایگاه فقاقت و اجتهاد بوده و به همین واسطه از جایگاه ممتازی در جامعه برخوردارند. اغلب این افراد از بزرگان و مدرسان حوزه علمیه و دانشگاه هستند یا امامت جمعه و جماعت را در شهرهای کوچک و بزرگ برعهده دارند. طبیعی است چنین شخصیت‌هایی از وجاهت و اعتبار خاصی نزد مردم برخوردارند و همین جایگاه است که پشتوانه معتبری برای این مجلس به حساب می‌آید تا در زمان لازم، برآیند این اعتبار، پشتوانه‌ای برای ولایت فقیه باشد.

همین شرایط می‌طلبد تا مفهوم رقابت انتخاباتی در این انتخابات به گونه‌ای دیگر طرح‌ریزی شود که حاصل آن تضعیف وجاهت ائمه جمعه و علما و بزرگان حوزه و دانشگاه‌نگردد. حتی اگر با نگاه کارکردگرایانه صرف نیز به این عرصه بنگریم، باز هم حفظ وصیانت از اعتبار و وجاهت مجلس خبرگان و اعضای محترم آن برای تثبیت امنیت و اقتدار کشور ضروری به نظر می‌رسد.

از سویی دیگر رقابت‌های انتخاباتی با

خانه ملت

مجلس اعتدال و امید



صورت جدیدی از آن لیست بدون حضور نام‌های جنجالی این جریان پدید آید که با عنوان «لیست امید» شهرت یافت. مسئله اول اصولگرایان اما همچنان ائتلاف بود و رسیدن به رویه‌ای که بتواند اضلاع مختلف اصولگرایی را از طیف هواداران لاریجانی (فراکسیون رهروان ولایت مجلس) تا جمعیت مؤتلفه و جمعیت ایثارگران و تا جبهه پایداری در یک لیست جمع کرد. اتفاقی که در نهایت به نتیجه نرسید و به جدایی هواداران لاریجانی و پیوستن به اصلاح‌طلبان و اعتدالیون انجامید. انتخابات در ۱۷ اسفند ۱۳۹۴ در سراسر کشور برگزار شد و بیش از ۶۱/۸۳ درصد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند و قریب به ۳۴ میلیون رای به صندوق‌ها واریز شد. در این انتخابات پیروزی نسبی با لیست امید و اصلاح‌طلبان بود که توانستند بیش از ۱۲۶ صندلی را در پارلمان کسب کنند و به وزین‌ترین فراکسیون مجلس تبدیل شوند. اصولگرایان تنها ۹۲ صندلی به دست آوردند. مابقی صندلی‌ها به مستقلین اختصاص یافت. در تهران اما پیروزی مطلق به لیست امید رسید و هر ۳۰ کرسی انتخابات در اختیار این جریان قرار گرفت. هرچند سرلیست فهرست امید، «محمد رضا عارف»، علی‌رغم این موفقیت، نتوانست در مجلس بر صندلی ریاست تکیه‌زند.

انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی در حالی برگزار شد که اعتدال‌گرایان در پیوند با اصلاح‌طلبان توانسته بودند تا در بهار ۱۳۹۲ قدرت اجرایی کشور را در اختیار خود گیرند. طبیعی بود که این تغییر در دولت می‌توانست زمینه‌ساز تغییر در قوه مقننه را نیز فراهم آورد؛ چرا که زمانه، زمانه تغییر شده بود و اصلاح‌طلبان به اعتبار رای خود در انتخابات ریاست جمهوری آمده بودند که فاتح انتخابات مجلس نیز شوند. این انتخابات با بنجمن دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری نیز هم‌زمان شده بود و مردم باید نامزدهای خود را برای این مجلس نیز انتخاب می‌کردند. طبیعی بود که سایه رقابت‌های سیاسی انتخاباتی مجلس به این رقابت‌ها نیز سایه انداخته باشد و آن را به یکی از سیاسی‌ترین انتخابات ادوار مجلس خبرگان رهبری مبدل کند. در این شرایط بود که اصلاح‌طلبان با همه توان به میدان آمدند تا با لیستی قدرتمند به رقابت انتخاباتی بگذارند. در این میان هنوز حساسیت‌های شورای نگهبان در خصوص ماجرای فتنه ۸۸ و اقدامات غیرقانونی منسوبین به این جریان کاسته نشده بود و معتقد بودند چنین افرادی از صلاحیت‌های قانونی برای تصدی قدرت در مجلس برخوردار نیستند. برای امر موجب شد تا چهره‌های کمتر شناخته شده‌ای در فهرست اصلاح‌طلبان قرار گیرند و



دبیر سابق جنبش عدالت‌خواه گفت‌وگو با صبح صادق

جنبش دانشجویی کجا ایستاده است؟



محمد مهدی اسکندری

خبرنگار

جنبش دانشجویی یکی از مهم‌ترین جریان‌های سیاسی و اجتماعی ایران معاصر به حساب می‌آید که در طول ده‌های گذشته، چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، در عرصه‌های گوناگون حضور مؤثری داشته و منشأ اثر واقع شده است. به مناسبت روز دانشجو، با «محمد صالح ترکمان»، دبیر سابق جنبش عدالت‌خواه گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه آن را می‌خوانید.

نیروهای سیاسی و اجتماعی درس‌خوان

رهبری بارها بر این موضوع تأکید کردند که برای جنبش دانشجویی اهتمام به درس اهمیت دارد، اما در کنار این موضوع اشاره داشتند که جنبش دانشجویی نوعی جریان سیاسی و اجتماعی است. سیاسی و اجتماعی بودن این جریان هم بنا به نظر امام خمینی و آیت‌الله العظمی خامنه‌ای است؛ نه طیف‌بندی و دوگانه‌های سیاسی کنونی. در اینجا بیان این نکته درخور توجه است که آیا جریان جنبش دانشجویی نوعی جریان سلبی است یا ایجابی؟ برخی به کل جریان جنبش را سلبی می‌دانند و نتیجه‌اش این می‌شود که وقتی دولت و طیف مطلوب یک جریان در قدرت روی کار می‌آید، آن طیف و بخش از جنبش دانشجویی ضعیف می‌شود. شاید بشود گفت در نظر امام و رهبری، جنبش دانشجویی ترکیبی از هر دو است؛ اما اینکه اساساً نقطه اتکایش بر روی کدام است، هنوز مشخص نیست یا لا اقل من به این جمع‌بندی نرسیدم.

قصه پرغصه سیاست‌زدایی از دانشگاه‌ها

مسئله مهم که می‌توان آن را مهم‌ترین موضوع جنبش دانشجویی در ۱۰-۱۵ سال اخیر دانست، موضوع دست‌کاری شده «سیاست‌زدایی» از دانشگاه‌هاست. این سیاست‌زدایی محدود در دولت چپ و راست نیست، بلکه باید گفت بخشی از بدنه حاکمیت مطلوب خویش را در این امر می‌بیند و خواسته و ناخواسته در موضعی در راستای سیاست‌زدایی از دانشگاه‌ها حرکت کرده است. برای تشریح این موضوع باید به بیان یک سیر پرداخت. در

دهه ۸۰، ما با یک جنبش دانشجویی طرف هستیم که در بسیاری از مواقع فعالانه در صحنه حاضر می‌شود و توان خلق یک جریان و اتفاق سیاسی مهم را در کشور دارد. به‌طور مثال، وقتی سال ۱۳۸۴ احمدی‌نژاد قدرت را در امور اجرایی بر عهده می‌گیرد، مقام معظم رهبری تأکید می‌کنند این اتفاق مولود گفتمان عدالتی است که در دانشگاه‌ها شکل گرفته است. پس از وقایع دوم خرداد و اختلاف اصولگرایان و اصلاح‌طلبان و اشارات مکرر و جدی مقام معظم رهبری به مسئله عدالت جنبش دانشجویی با ورود به این موضوع، توانست بالاترین سطح اثرگذاری ایجابی را محقق سازد و فعالانه در عرصه اجتماع و سیاست ورود پیدا کند و به غایتی که می‌توانست دنبال کند، جامه عمل بپوشاند. جنبش دانشجویی در دهه ۸۰ بر موضوعی تأکید کرد که خلأ آن در جامعه احساس می‌شد. به تعبیری، عموم جامعه خود را محتاج گذار از سیاست‌های موجود می‌دیدند، اما مقصد بعدی چندان برایشان مشخص و مبرهن نبود. در این نقطه است که جنبش دانشجویی وارد میدان می‌شود و مسئله عدالت را پیش می‌کشد. در دهه ۸۰، ما با یک جنبش دانشجویی فعال و دارای هویت روبه‌رو هستیم که ناظر به مسائل داخلی و خارجی دانش و دانش و واکنش فعالانه است. شعله جریان دانشجویی بزرگ‌بزرگ‌تر شد تا اواسط دهه ۹۰ تا سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ بنا به گفتمان عدالت در جنبش دانشجویی به حل مسئله محور و مطالبه تخصصی نظر دارد. از آن برهه به بعد، جنبش دانشجویی به راهبردی روی می‌آورد که محوریت آن مبارزه با فساد و افشای آن است که آن هم

در عرض یکی دو سال رو به افول می‌رود و از اینجاست که دیگر مشخص نیست جنبش دانشجویی دقیقاً چه می‌خواهد؟

خلاهایی که جنبش دانشجویی را گیج کرده است

در چند سال اخیر ما با جنبش دانشجویی طرف هستیم که با حجم انبوهی از خلأها در فهم مسائل سیاسی و اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کند. برخلاف دهه ۸۰ که جنبش دانشجویی دارای فهم مستدل و مبنایی از مسائل سیاسی و اجتماعی بود و در برابر آنها واکنش فعالانه نشان می‌داد، در سال‌های اخیر ما با جنبشی مواجه هستیم که حتی از فهم مسائل نیز عاجز است. به تعبیری این جنبش به معنای واقعی کلمه در این سال‌ها عقیم بوده است. در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، جنبش دانشجویی ما در ارتباط خود با حاکمیت و مردم دچار نوعی سرگیجه شده است که توان فعالیت که هیچ، حتی توان فهم درست مسائل را هم ندارد. بالینکه شاید انتظار می‌رفت در راستای اتفاقات پاییز گذشته این جنبش دانشجویی بار دیگر روی عادلانه خودش را نشان دهد، همچنان این جنبش در حالت گیجی خود گیر کرده است؛ حالتی که او را به دور خویش می‌کشاند.

من علت این موضوع را در تهی‌شدن جنبش دانشجویی از فهم سیاست جمهوری اسلامی و پیگیری ارزش‌های دینی در کف جامعه می‌دانم. متأسفانه از اول انقلاب اسلامی تاکنون، بخشی از بدنه حاکمیت در پی سیاست‌زدایی از متن و بطن دانشگاه‌ها



هستند. نمی‌گویم سیاست بر این است، بلکه بخشی از قدرت حاکمه صلاح را در این امر می‌بیند که دانشگاه از سیاست تهی شود. در اینجا منظور ما از سیاست به معنی والای کلمه است، یعنی بتوانیم در خصوص مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه تحلیل و ارزش‌گذاری کنیم. لذا نباید این مراد و مطلوب را با برخی دوگانه‌های کاذب کنونی یکی پنداشت. سیاست‌زدایی از دانشگاه‌ها امری مخالف قرائت و نظرهای رهبری است. به‌طور مثال، آیت‌الله خامنه‌ای به‌صراحت در باب رژیم صهیونیستی موضع‌گیری دارند و تحریم کالاها را این رژیم را در دستور کار قرار دادند. در راستای این موضوع وقتی دانشجویان تیریزی‌ها را با حضور روبه‌روی کنسولگری ترکیه در تبریز اعتراضشان را در قبال معاملات و مرادوات تجاری ترکیه و رژیم صهیونیستی ابراز کنند، با ممانعت و مخالفت مواجه شدند؛ در صورتی که آنان صرفاً بنا به حرف ولسی جامعه عمل کردند؛ حرفی که بعد از آن، سید حسن نصرالله هم بدان اشاره کرد.

یکی از موضوعات مهم و اساسی این است که جریان جنبش دانشجویی انقلابی‌مابرای تعیین‌بخشیدن به ارزش‌های خود دست به کنشگری و فعالیت می‌زد؛ چیزی که امروزه وجود دارد این است که این تعیین‌بخشیدن به ارزش‌ها کم‌رنگ شده و وضعیت جریان دانشجویی در قبال آنها مشخص نیست. به‌طور مثال، مسئله تقابل با آمریکا و جلوه‌های مختلف او مثل بحث بدبینی به مذاکرات در راستای تعیین‌بخشیدن به ارزش استقلال بود، اما امروزه حتی برای برخی از نیروهای انقلابی دیگر مسئله مذاکرات به قدر اهمیت قبلی نیست و صرفاً از آن گذر شده، گذری بدون هیچ رشد و تعیین مسئله‌ای. در راستای بحث مدنظر باید اشاره داشت، گاهی سیاست‌زدایی با امور سلبی است و گاهی با امور ایجابی. در امور ایجابی، گفتمان‌ها و مسائلی وارد صحنه می‌شوند که چون با اقتضای سیاسی و اجتماعی زمان سازگاری ندارند، نتیجه‌اش عقیم‌شدن و ناکارآمدشدن جنبش دانشجویی می‌شود. برای مثال، مطالبه‌گری تخصصی، تا یک مقطعی نیاز جنبش بود؛ اما از آن به بعد، مطالبه‌گری تخصصی نه تنها مفید نیست، بلکه جنبش را در حالت خمود و عقیم‌بودن قرار می‌دهد.

انفعال جنبش دانشجویی

از بلوای ۱۴۰۱ تا طوفان الاقصی

موضوع قابل توجه دیگر این است که جریان جنبش

دانشجویی تنها نیست. به تعبیری جنبش دانشجویی سرریز نظریات اندیشمندان را در خود جای می‌دهد. وقتی در جامعه این اندیشمندان حرف برای گفتن نداشته باشند یا گفته‌هایشان بنا به اقتضای زمان نباشد، طبیعی است که جنبش دانشجویی نتواند در مواقع حساس دست به تحلیل درست مسائل بزند، چرا که جنبش در مقام نظریه‌پرداز اجتماعی نیست. بنا به همین موضوع اگر بخواهم با ادبیات دیگر موضوع سیاست‌زدایی از جامعه را بازگو کنم، باید اشاره داشته باشم که جنبش دانشجویی ما امروزه دچار تاجر شده است و پاسخ به مسائل و نیازها با زمانی که اکنون در آن قرار دارد، سنخیت و تناسب ندارد.

وضعیت ایران در منطقه و سطح بین‌الملل تغییر کرده و در شرایط خاصی است. منطقه ما دچار تحولات گوناگونی شده و همه این امور موجب شده است تا ما به پرسش‌ها پاسخ مناسب دهیم؛ اما نداشتن درک و البته تبحر، نتیجه‌اش می‌شود چیزی که در سال ۱۴۰۱ دیده شد؛ و سؤالی که به میان آمد این بود که دیگر چه اتفاقی باید بیفتد تا خون جنبش دانشجویی ما به جوش بیاید؟ حتی برخی اساتید هم سر اغتشاشات پارسال تا واقعه شاه‌چراغ موضع‌گیری صریح و مشخص نداشتند. مسئله مهم این است که امروزه جنبش دانشجویی ما عملاً فعال نیست و در قضیه طوفان الاقصی هیچ کار مهم و درخور انجام نداد تا اینکه رژیم اشغالگر بیمارستان‌معدمانی را زد. حتی آنجا هم جنبش دانشجویی فعالیت خاصی نکرد؛ بلکه آن حجم غم و فاجعه به قدری زیاد بود که موجب شد اتفاقی در ایران بیفتد. جنبش دانشجویی نه قدرت خلق اتفاق دارد و نه حتی قدرت بزرگ‌کردن و برجسته‌سازی آن را.

آیا مقام معظم رهبری

از دانشجویان ناامید شده است؟

مقام معظم رهبری در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، در دیدار با دانشجویان، آنان را حلقه میانی جامعه خطاب کردند؛ اما گویی واکنشی از طرف مقابل دیده نشد. در سال‌های بعدی، ایشان یک عقب‌گرد داشتند و از دانشجویان مطالبه‌گری را خواستند که باز هم گویی این جریان از پس کار برنیامد و در آخر، مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خود به دانشجویان گفتند بروند فعلاً مطالعه کنند و بخوانند. این موضوعی ناخوشایند است که جنبش دانشجویی ما با آن ریشه و تاریخ الان باز محتاج مطالعه و خواندن شده است.

دانشجویان به رئیس‌جمهور چه گفتند؟

بی‌عدالتی‌های اقتصادی، فضای دانشگاه را تا این اندازه به سود طبقه سرمایه‌دار تغییر نداده بود، ناهنجاری‌های فرهنگی هم تا این اندازه در دسر ساز نمی‌شد.

انتخابات نماد عینی و بارز مردمی‌سازی و تعاون است

نماینده جامعه اسلامی دانشجویان: «ما برای آنکه در این پیچ تاریخی و نظم جدید جهانی نقش ایفا کنیم و حرفی برای گفتن داشته باشیم، به یک حرکت عمومی نیاز داریم. ما در سوومین مرحله از پنج گام تمدنی گیر کرده‌ایم و بایستی به‌سمت تحقق دولت اسلامی حرکت کنیم. در دولت اسلامی منش و روش کارگزاران باید اسلامی شود و در کنار آن بایستی نظامات هم اسلامی شود. حرکت مثبت و رو به جلو است، ولی سرعت‌اش کند است، باید جهش کنیم.» وی افزود: «یکی از ارکان تحول در کشور همین انتخابات است که باید با افزایش بصیرت عمومی و انتخاب اصلاح این جرت اقدام را، این اجتماع نیروهای انقلابی در جهت افزایش توان در اقدام را و مهم‌تر از آن مشارکت مردم در تعیین آینده کشور، حفظ، تکریم و تقویت کرد، و اگر نه باید باز هم به شهادت‌تسن داد که در همین سیستم انتخاباتی انتخاب شدند و هر چه خواستند کردند و در نهایت با بهانه‌های واهی دیگران را به ممانعت از فعالیت متهم نمودند؛ شهادت‌تسن در لباس روحانی، خواه با عمامه سفید و خواه سیاه.» وی گفت: «انتخابات نماد عینی و بارز مردمی‌سازی و تعاون است که مطالبه مقام معظم رهبری نیز هست؛ اما آقای رئیس‌جمهور، تعاون و مشارکت مردمی در حکومت‌داری باید در همه شئون اتفاق بیفتد و نه فقط در دوران انتخابات؛ در اقتصاد، در فرهنگ، در سیاست و... این هم کار تازه‌ای نیست، کارهایی است که امام در ابتدای انقلاب و برای پیروزی انقلاب انجام داد و در ساخت آینده کشور و تصمیم‌گیری‌ها نقش اصلی را به مردم داد و مردم هم مخلصانه برای

مراسم ویژه روز دانشجو با حضور رئیس‌جمهور در دانشگاه شهیدبهبشتی برگزار شد و نمایندگان دانشجویان دغدغه‌هایشان را خطاب به رئیس‌جمهور بیان کردند که در ادامه بخشی از این گفته‌ها را می‌خوانید.

نخبگان باید برای ایران بمانند

«فاطمه یاداری»، نماینده نخبگان و گروه‌های علمی در این مراسم گفت: «اهمیت جامعه نخبگان امروز بر هیچ کسی پوشیده نیست. امروز تفکر و ایده‌پردازی‌های نخبگان یکی از مهم‌ترین راحل‌های برون‌رفت از چالش‌های کشور و گذر از مشکل‌های علمی اقتصادی و تکنولوژی است که با توانمندی‌های داخلی و نیروی انسانی نخبه توان رفع آن وجود دارد.» وی اضافه کرد: «ارائه تسهیلات و امکانات داخلی و حمایت‌های دولت برای ترغیب بازگشت نخبگان تا چه حد افزایش یافته است؟ و آیا بستر برای استفاده براساس دانش نخبگان فراهم است؟» یاداری تأکید کرد: «امیدآفرینی برای نخبگان چیزی جز ساخته‌شدن ایران عزیز نیست و اشتغال و حمایت از نخبگان مهم‌ترین امر در جهت تقویت روحیه تلاشگری است.»

عده‌ای به پشتوانه پول صندلی دانشگاه را تصاحب می‌کنند

«علی رادمنش»، دبیر سیاسی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل، با اشاره به حواشی کشف حجاب در یکی از پردیس‌های دانشگاهی گفت: «قبلاً از مدارس پولی می‌گفتیم، امروز صندلی‌های دانشگاه را هم با ماهی ده‌میلیون تومان می‌خرند؛ اشتباه نکنید! درباره پردیس جزیره کیش دانشگاه صنعتی شریف، کشف حجاب و قانون‌شکنی چند نفر از دانشجویان مسئله دوم است. مسئله اول این است که چرا اجازه می‌دهید این جماعت پرادعا صندلی بهترین دانشگاه‌های ما را به پشتوانه پول تصاحب کنند؟ اگر

مقام معظم رهبری و شخص شما درخصوص افزایش مشارکت مردمی، دغدغه‌ای ندارند، این مدیران را با گفتمان مشارکت حداکثری همراه سازید و اگر همراهی نکردند، آنها را از کرسی مدیریت عزل نمایید.»

در برابر قدرتمندان جهان ایستادیم

«علیرضا حکمت»، دانشجو حقوق دانشگاه شهید بهشتی و نماینده دفتر تحکیم وحدت خطاب به رئیسی گفت: «سال گذشته در همین ایام اپوزیسیون متوهم ایران به‌دنبال انزوی دولت شما در صحنه بین‌المللی بود؛ آنهایی که به خاک و خون کشیده شدن زنان فلسطینی را می‌بینند و دم بر نمی‌آورند، به بهانه فوت یک فرد، خیابان‌های تهران را به خاک و خون کشاندند و تلاش کردند با این صحنه‌آرایی، دولت شما را تسلیم کنند. اما دولت شما پای اسلام و اجرای حدود الهی ایستاد. شما از مصحف شریف با شجاعت در سازمان ملل دفاع کردید و این یعنی شما در برابر قدرتمندان جهان ایستادید. شما به‌صراحت در جبهه پای مردم مظلوم غزه ایستادید و خداوند نیز پای استقامت دولت شما ایستاد.» وی افزود: «در همین یک سال، سعودی در مقابل ایران کرنش کرد، گشایش‌های ارزی به وجود آمد و ایران عضو بریکس شد و همان اپوزسیون از آلبانی آواره شد. می‌خواستند مقاومت ملت ایران را از بین ببرند، اما حالا این پیام به مرزهای خارج از ایران رسیده و مردم آزاده جهان، از تهران تا لندن، از یمن تا پاریس، فریاد مرگ بر اسرائیل سر می‌دهند.» حکمت ادامه داد: «انتخابات مجلس نزدیک است و ما معتقدیم مسیر حل مسائل کشور از مشارکت پرشور و همگانی مردم می‌گذرد. همچنین معتقدیم اگر رئیس‌جمهور بدون لکت درباره آنچه گذشت صحبت کند، این بیار حتی اگر لیبرال‌ها از فیلتر شورای نگهبان بگذرند از فیلتر آحاد ملت نخواهند گذشت. همچنین برخی از مدیران میانی دولت علی‌رغم تأکید صریح

در کشور است و نه مردمی‌بازی.»

یادداشت

تبعات افزایش
چندباره دستمزدها

علی اکبر لبافی

معاون سابق وزیر کار



نرخی که شورای عالی کار به عنوان حداقل دستمزد تعیین می کند، اصولاً کف دستمزد به شمار می رود. به این معنا که شورای عالی کار این رقم را مصوب می کند و با تأکید بر این موضوع، حقوق و دستمزد نباید از این ارقام کمتر باشد. اما در سال های گذشته به واسطه فشار تورمی موجود، موضوع افزایش حقوق در اواسط سال و بیش از یک بار چندین بار مطرح شده است، اینکه گروه های کارگری مرتب در طول سال به دنبال افزایش دستمزدها هستند و تأکید می کنند دولت یا شورای عالی کار برای افزایش دستمزد باید اقداماتی صورت دهد، از اساس ترویج یک فرمول اشتباه و غلط است. به این دلیل که حقوق تعیین شده توسط شورای عالی کار در کف قرار دارد؛ یعنی شورای عالی کار به هیچ وجه کارفرما را به دادن و پرداخت رقم مصوب مجبور یا محدود نمی کند. به عبارتی تأکید ندارد که پرداخت بیشتر از رقم مصوب به نیروی کار، اقدامی غیرقانونی است.

در هیچ کجای دنیا هم، هیچ محدودیتی برای پرداخت دستمزد وجود ندارد؛ یعنی تعیین کنندگان دستمزد نمی توانند صاحب کار را محدود کنند؛ چون یک بنگاه اقتصادی بنا به نیاز خود به نیروی کار ماهر و متخصص نیاز دارد و می تواند ۳ تا ۴ برابر حداقل حقوق تعیین شده به کارگر و نیروی انسانی متخصص خود مزد پردازد. پس در این موضوع منعی وجود ندارد و لازم است این محور مهم درست اطلاع رسانی و تبیین شود. اگر در ایران نیز این روند بدرستی تبیین شود، قطع به یقین شاهد جهش دستمزدی در بنگاه های اقتصادی خواهیم بود. بارها شاهد بودم که نیروی کار خطاب به کارفرما با صراحت عنوان کرده که با این مبلغ و ارقام کار نمی کنم، وقتی بنگاه تولیدی و اقتصادی نیاز به کارگر و نیروی متخصص داشته باشد، بی شک ناچار به توافق است. بنابراین در عدد و رقمی که به عنوان حقوق و دستمزد تعیین می کند، باید تغییراتی اعمال کند. پس مزد نیروی کار به آنچه شورای عالی کار لحاظ کرده محدود نمی شود. اما اگر شورای عالی کار رقم دستمزد را بنا به هر دلیلی در سال بیش از یک بار افزایش دهد، این موضوع خودبه خود در بازار و در افزایش نرخ تورم تا حدودی تأثیر می گذارد. وقتی این افزایش مزد در قالب نیاز و توافق با بنگاه اقتصادی اتفاق بیفتد، روی بازار و افزایش قیمت ها و سایر موارد تأثیر نخواهد داشت، اما مسئله این است روال دستمزدی در کشور ما متأسفانه متفاوت با دنیا است. برای مثال، در کشور ما همیشه به قانون کار، مصوبات، بخش نامه ها و آیین نامه های مختلف تکیه داشته و تأکید می کنند و این در حالی است که در دنیا این روال دنبال نمی شود. برای نمونه، قانون کار ژاپن ۲۰ صفحه است؛ قانونی که در قالب پیمان های دسته جمعی که تشکلات بر اساس روال های مشخصی که دارند، با امضای یک پیمان دسته جمعی دستمزد را تعیین می کنند و در ۱۲ بند، در خصوص حقوق و سایر وسایل کار و نظام کار مزد توافق و آن را اجرا می کنند. پس این وسط پای دولت به این مباحث کشیده نمی شود که این روال روی بازار و تورم و نقدینگی و... اثرات سویی به جا بگذارد.

حسن حسن خانی، کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت و گو با صبح صادق

استقلال بانک مرکزی

نباید لطمه ای به هماهنگی با دولت بزند



رئیس فدرال رزرو هر پنج سال انتخاب می شود؛ برخلاف دولت که چهار سال روی کار می ماند. در ایران، رئیس جمهور هر زمان اراده کند، می تواند رئیس بانک مرکزی را تغییر دهد. ضمن اینکه گاهی شاهد هستیم بین رئیس بانک مرکزی و وزیر اقتصاد چالش های اساسی وجود دارد که مانع می شود شاهد استقلال بانک مرکزی باشیم.

این تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: «متأسفانه با ساختار مدیریتی در ایران به هیچ وجه نمی توانیم منتظر استقلال تام و تمام بانک مرکزی باشیم و این شدنی نیست. در چنین ساختار مدیریتی اصلاً رئیس بانک مرکزی در ایران امکان استقلال در اهداف بانک مرکزی را ندارد.»

حسن خانی در پاسخ به این سؤال که آیا استقلال بانک مرکزی از دولت در کل مفید است، گفت: «این موضوع قابل بحث است که آیا استقلال بانک مرکزی در ابزار مفید است و تبعات مثبت و منفی دارد یا خیر؟ اما باید مشخص کنیم وقتی می گوئیم استقلال در ابزار منظور از کدام ابزار است؟ چون بانک مرکزی در چند حوزه مهم و اساسی و اثرگذار در اقتصاد مثل زمین، ملک، ارز و بازار پول بازی می کند.»

وی در پایان این گفت و گو خاطر نشان کرد: «اگر استقلال بانک مرکزی در بازار ارز را بپذیریم، باید یک سری مقتضیات را لحاظ و ارزیابی کنیم و اگر در بازار پول یا هر دو بپذیریم یا در هیچ یک از این حوزه ها نپذیریم، هریک به صورت جداگانه مباحث خاص خود را می طلبد. در کل، استقلال بانک مرکزی در ابزار و روش های تحقق اهداف دولت می تواند مفید باشد و کارکرد در خور توجهی داشته باشد؛ به شرط اینکه استقلال بانک مرکزی در مواقع خطیر و بحرانی اقتصاد به هماهنگی با دولت لطمه نزند.»

طرح ملی جهش مسکن به بانک مرکزی تحمیل می کند، بپذیرد و اجرا کند، در این صورت، بانک مرکزی کارگزار است.»

این کارشناس اقتصادی خاطر نشان کرد: «زمانی بانک مرکزی دست رد به سینه دولت می زند و به دولت عنوان می کند ارز حاصل از فروش نفت باید به صورت ریال باز گردد یا برای برخی برنامه ها باید با دولت همراه بود و... اما به رغم اینها در استفاده از ابزار سیاستی مستقل هستیم و به عنوان بانک مرکزی باید تشخیص دهیم که نرخ سود بانکی ۱۸ درصد را به ۲۳ درصد برسانیم یا خیر؟»

وی در این باره بیان داشت: «من بانک مرکزی باید بدانم آیا عملیات بازار باز انجام دهم یا خیر؟ اینکه چه زمانی انجام دهم و چگونه در بازار پول و بازار بین بانکی با چه ابزاری مداخله کنم و... جزو وظایف و اختیارات بانک مرکزی است. بانک مرکزی باید این موضوعات را تشخیص دهد. اینجاست که متوجه می شویم مسئله استقلال بانک مرکزی شامل دو محور اساسی می شود.»

حسن خانی خاطر نشان کرد: «عده ای معتقدند بانک مرکزی باید در اهداف و سیاست ها مستقل باشد. این حرف حتی اگر بر اساس علم اقتصاد هم درست باشد، باید باتوجه به اقتضات هر کشور بررسی شود؛ در کشوری مانند ما که رئیس کل بانک مرکزی را وزیر اقتصاد تعیین می کند، طبیعتاً این گزاره نمی تواند صادق باشد.»

وی در خصوص سازوکار تعیین رئیس بانک مرکزی در آمریکا گفت: «فدرال رزرو، سازوکار جالبی دارد؛ بالینکه رئیس جمهور آمریکا حکم رئیس بانک مرکزی را امضا می کند، همان رئیس جمهوری که حکم می زند، نمی تواند رئیس بانک مرکزی را عزل کند. ضمن اینکه

به سمت بهرهوری هر چه بیشتر اقتصاد حرکت کنند یا بر سر مسائلی مثل سیاست هایی که به افزایش نیافتن نیروی کار در بازار منجر می شود که باز هم وابسته به مسائلی مثل تورم و تولید است؛ اما چون ممکن است بحث ها و نتایج مدنظر دولت و بانک مرکزی متفاوت از هم باشند، این دو دچار تضاد و چالش می شوند.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی یادآور شد: «در شرایطی ممکن است دولت مردان بر این موضوع تأکید کنند که می خواهند تورم و مقابله با آن را از روی میز سیاستی کنار بگذارند و بر رونق اقتصادی تمرکز کنند. در مقابل چنین بحثی اگر بانک مرکزی شأن سیاست گذاری به صورت مستقل داشته باشد، می تواند دولت را با چالش مواجه کند و به دولت بگوید ما حاصل این سیاست گذاری ایجاد تورم است که قطعاً با هدف ذاتی من به عنوان بانک مرکزی که کنترل تورم است، بسیار فاصله دارد و اهداف ما را به هم می ریزد. بنابراین، در چنین اقتصادهایی، دولت و بانک مرکزی در بدهستان های خود دچار اختلاف می شوند؛ نه ایران که رئیس بانک مرکزی را وزیر اقتصاد و دولت انتخاب می کند.»

حسن خانی تصریح کرد: «حال باید به این موضوع پردازیم که آیا بانک مرکزی ایران طی چهار دهه گذشته در سیاست ها و اهداف خود استقلال عمل داشته یا اهداف دولت را دیکته و اجرا کرده است؟ مسئله مهم این است که اگر بانک مرکزی در ابزار استقلال داشته باشد، دولت می گوید شعار من رشد تولید و مهار تورم است و بانک مرکزی موظف است به تحقق این شعار کمک کند. بانک مرکزی یا می تواند کارگزار دولت باشد، یعنی اگر دولت بانک مرکزی را موظف به پرداخت تسهیلات تکلیفی کند یا هر طرحی که دولت در حوزه های مختلف مثل

گروه اقتصاد

صبح صادق

کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: «برخی معتقدند بانک مرکزی باید در اهداف و سیاست ها مستقل باشد. این حرف حتی اگر بر اساس علم اقتصاد هم درست باشد، باید آن را باتوجه به اقتضای کشورها بررسی کرد. در کشوری مانند ایران که وزیر اقتصاد، رئیس کل بانک مرکزی را تعیین می کند، این گزاره صادق نخواهد بود.»

«حسن حسن خانی»، کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت و گو با «صبح صادق» در خصوص موضوع استقلال بانک مرکزی و جوهی که می تواند زمینه ساز استقلال بانک مرکزی شود، گفت: «استقلال بانک مرکزی را از دو وجه باید ارزیابی کرد؛ چرا که وابسته به دو موضوع است: وجه اول استقلال در سیاست گذاری و وجه دوم استقلال در ابزار.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «منظور از استقلال در سیاست گذاری این است که بانک مرکزی در موازات و مقابله دولت شأن سیاست گذاری داشته باشد؛ چون ممکن است برای مثال، دولت در یک بازه زمانی عنوان کند می خواهم به جای اثرگذاری بر کاهش نرخ تورم با رکود مقابله کنم؛ اما چون در علم اقتصاد همیشه بین تورم و رونق تضاد سیستماتیک وجود دارد و هر جایی که رونق شکل بگیرد، در ادبیات اقتصادی تأکید می شود که تورم اجتناب ناپذیر است، پس بین دولت و بانک مرکزی در تحقق اهداف ذاتی خود چالش هایی ایجاد می شود.»

حسن خانی معتقد است: «با اینکه دولت و بانک مرکزی در این موضوع می توانند روی مقتضیات بحث کنند، یعنی اینکه از چه مسیری

افزوده

فرا بورس

بازار فرا بورس برای شرکت هایی ایجاد شده است که امکان پذیرش در بورس اوراق بهادار تهران را ندارند. این بازار تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار تشکیل شده است. فرا بورس ایران به بدون مرکزیت مشخص از طریق تلفن یا ابزار الکترونیکی دیگر امکان خرید و فروش را در اختیار سرمایه گذاران می گذارد. فرا بورس ایران به منظور توسعه بازارها و ابزارهای مالی و پوشش خلأهای ناشی از نداشتن دسترسی بخش عمده ای از صاحبان صنایع به بازار سرمایه تشکیل شده است. مهم ترین ویژگی بازار فرا بورس، سهولت رویه ها در مراحل پذیرش و انجام معاملات اوراق بهادار است.



شاخص

حذف دلار

«اولگا باشا»، رئیس بخش تسویه حساب های بین المللی بانک وی تی بی VTB، پیش از گردهمایی سرمایه گذاری «روسیه کالینگ ۲۰۲۳»، در گفت و گو با ریانووستی اعلام کرد که تسویه حساب های تجاری با ارزهای ملی بین روسیه و ویتنام امسال به شدت افزایش یافته است. باشا تصریح کرد تسویه حساب های انجام شده به روپل روسیه و دانگ ویتنام در تجارت بین این دو کشور چهار برابر شده است. مدیر اجرایی دومین بانک بزرگ روسیه در ادامه گفت: «در ویتنام، ما بازارساز هستیم و تمام پرداخت ها با جفت ارز روپل و دانگ از طریق بانک مشترک ما انجام می شود.»



منهای نفت

دیوارپوش

تولیدکنندگان ایرانی امروزه انواع دیوارپوش های طرح سنگ را از جنس پی وی سی با کیفیت بسیار مناسب تولید و آن را صادر می کنند. کیفیت دیوارپوش های ایرانی چیزی از کیفیت نمونه های خارجی کم ندارد و به همین دلیل، به تازگی در بازارهای جهانی شناخته شده و میزان صادرات آن روز به روز در حال افزایش است. دیوارپوش ها با طرح های مختلفی تولید می شوند و موجب زیباتر شدن دکوراسیون داخلی منازل و محیط های مختلف می شوند. اهتمام به این صنعت، ارزآوری چشمگیری برای ایران خواهد داشت.



بزرگ‌ترین برکت و نعمت خداوند

گفتاری از آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی به مناسبت شهادت حضرت زهرا(س)



پیامبر گرامی اسلام(ص) دو هدیه گران بها به دختر خود، حضرت فاطمه زهرا(س) دادند: یکی هدیه ملکسی فدک بود که آن را باب‌الکریم وضع کردند و دیگری هدیه ملکوتی تسبیحات حضرت فاطمه زهرا(س). در اهمیت این ذکر همین بس که حضرت امام صادق(ع) درباره آن فرموده‌اند: اگر هدیه و نحل‌های بالاتر از آن تسبیح بود، پیامبر اسلام(ص) آن را به حضرت فاطمه(س) تعلیم می‌دادند. این تسبیح و تعلیم، جزو بهترین و برترین تعلیم‌های ملکوتی است که به صورت خاصی به آن حضرت تعلیم داده شده تا دیگران هم از آن استفاده کنند. این یک تعلیم عمومی نبود، بلکه یک نحل و عطایی است که پیامبر اکرم(ص) به حضرت فاطمه(س) دادند؛ آن‌گاه به برکت آن معلم پیامبر(ص) و این متعلمه حضرت زهرا(س) دیگران هم از منابع معنوی آن بهره می‌برند. امام صادق(ع) می‌فرمایند: «من سبّح تسبیح فاطمه(س) ثم استغفر غفر له و هی مائة باللسان و الف فی میزان و تطرد الشیطان و ترضی الرحمن» (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۲) این تسبیح از نظر زمان صدتاست؛ اما از

نظر میزان و ترازوی عمل هزارتاست و ثواب این ذکر براساس آیه شریفه «من جاء بالحسنة فله عشر امثاله» محاسبه شده است. البته این حداقل ثوابی است که برای این ذکر در نظر گرفته شده و ممکن است فضایل و برکات دیگری برای آن در نظر گرفته شده باشد. این تسبیح شیطنت و وسوسه‌های شیطانی را دور می‌کند و رضای پروردگار را تأمین می‌نماید. چنین تسبیح مهمی آداب خاصی را نیز می‌طلبد. اول: این ذکر را در کمال آرامش و تأمین روحی انجام دهید. دوم: بدون تسبیح از کنار سجاده برخیزید. سوم: این ذکر را با سرعت انجام ندهید. چهارم: قبل از اینکه پاهای‌تان را حرکت بدهید و از حالت نمازگزار خارج شوید، این ذکر را انجام بدهید. امام صادق(ع) به یکی از شاگردان‌شان فرمودند: «انا نأمر صبیانا بتسبیح فاطمة(س) کما نأمرهم بالصلاة فالزومه فانه لم یلزمه عبد فشیق» (کافی، ج ۳، ص ۳۴۳) ما (اهل‌البيت) بچه‌های خود را همان طور که به نماز امر می‌کنیم، به تسبیح فاطمه(س) نیز امر می‌کنیم و هر کسی که ملازم این تسبیح نباشد، گرفتار شقاوت می‌شود. تو ملازم این تسبیح باش و آن را از یاد نبر. در روایت آمده که

آیه

دعوت به سمت خدا



محمد رضا امیدواریان
کارشناس علوم اسلامی

مبنای سخنان خداوند در قرآن و اهل بیت(ع) در روایات شاد دعوت به سوی حق است و برای اثبات اینکه این دعوت حق می‌باشد، شواهد، نظائر، تماثل، استدلال‌ها، استنباط‌ها و... به‌کار رفته است. اهل بیت(ع) در دعوت‌های خود این نکته را می‌فرمودند که قصد ما دعوت شما به سوی حق است و هیچ نیت فریبکارانه، منافقانه و خبیثانه نداریم. این بیان شریف‌شان هم از این جهت بود که قصد داشتند هم ذهن مردم را از ترس و شک و شبهه خالی کنند و هم این نکته را متذکر شوند که وقتی پای حرف کسی می‌نشینید، دقت کنید که قصدی جز دعوت به حق نداشته باشد. هنگامی که امام جواد(ع) و امام هادی(ع) در سن کم به امامت رسیدند، عده‌ای نمی‌توانستند آن‌را بپذیرند. وقتی از امام جواد(ع) سؤال شد که ما در پاسخ به مستحکمان چه بگوییم، ایشان می‌فرمایند: «خداوند در قرآن فرموده: این راه من است من و پیروانم و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم!» (یوسف/۱۰۸) سپس فرمودند: «امیرالمؤمنین(ع) در ده سالگی‌شان همراه با پیامبر(ص) بودند و پیامبر(ص) به ایشان فرمود: إِنَّكَ سَتَكُونُ مِمَّنْ سَمِعُوا مَا أَرَى؛ آنچه من می‌شنوم، تو نیز می‌شنوی و آنچه من می‌بینم، تو هم می‌بینی. لذا ایرادی ندارد که هم در این سن به امامت رسیده باشم.»

ملاک برای ما باید دعوت به حق باشد؛ دعوتی همراه با بصیرت؛ زیرا نیت دعوت‌کننده بسیار اهمیت دارد. مانند آنجا که امیرالمؤمنین(ع) درباره خوارج گفتند: «لا حکم الا لله» فرمودند: «كَلِمَةٌ حَقٌّ يَرَادُ بِهَا الْبَاطِلُ»؛ اگر کسی اراده باطل داشت از دعوت ما به سمت چیزی اولاً باید او را بشناسیم و دوم آنکه نباید سخنان او و خود او را بپذیریم؛ زیرا هنگامی که خودش راه را نمی‌داند، نمی‌تواند ما را در رسیدن به یک هدف درست کمک کند و بنابراین ما را به ذلت و گمراهی می‌کشند و این کار را با آگاهی کامل انجام می‌دهد.

دعوتی که حضرت زهرا(س) در خطبه‌شان داشت، دعوتی محض بود به سمت خداوند که یک سؤال مهم را هم پاسخ می‌دهد. سؤال این است وقتی می‌گویید صدیقه طاهره(ع) مجروح شدند، چطور وارد مسجد شده و خطبه‌شان را با حمد و سپاس خداوند شروع کردند؛ در حالی که شرایط خاصی بود و نمی‌شد اینقدر منطقی خطبه را شروع کرد. پاسخ در اینجا روشن می‌شود که نیت و هدف حضرت(س) دعوت به سوی خداوند و استحکام اصول دینی و اخلاقی بود و مسئله‌ای که برای ایشان اهمیت داشت، دوری مردم از خدا و دین خدا بود که تنها عامل بازگشت و پیادکردن راه سعادت قبول امامت، ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علی(ع) بود. حضرت زهرا(س) در خطبه‌شان به توحید شهادت داده و می‌فرمایند: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا وَصَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا وَأَتَى فِي الْفِكْرَةِ مَعْقُولَهَا»؛ هدف اعتلای لا اله الا الله است بدون آنکه شرکی وجود داشته باشد. یعنی تلاش حضرت(س) این است که اسلام مسلمانان را از شرک دور فرماید. وقتی در قرآن آمده: «و بیشتر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرک‌اند!» (یوسف/۱۰۶) یعنی برخی مسلمانان اسلام دارند، اما اسلامی دور از شرک نیست.

مکتب

مسیری از نور تا ولایت علی(ع)

سیدحسین خاتمی خوانساری



دبیر گروه معارف

خداوند انسان را به نحوی آفریده است که باید چیزی را دوست داشته باشد تا به سمت آن حرکت کند. این علاقه نیز با شناخت امکان پیدا می‌کند. به‌عبارتی، یک رشته محبتی بین انسان و آن چیز باید ایجاد شود و او را جذب خود کند تا حرکت صورت بپذیرد. به‌همین دلیل است که خداوند ایمان را مورد علاقه مؤمنان قرار داد و کفر و نفاق را مورد نفرت آنان. خداوند در قرآن فرموده: «... خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌های‌تان زینت بخشیده و کفر و فسق و گناه را منفرتان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفات هستند هدایت یافتگان‌اند.» (حجرات/۷) در مقابل هم شیطان می‌خواهد گناه و فسق و کفر را زیبا جلوه دهد. همان‌طور که در قرآن آمده: «و (به یاد آور) هنگامی که شیطان، اعمال آنها [مشرکان] را در نظرشان جلوه نمی‌کرد! و من، همسایه (و پناه‌دهنده) شما هستم!» (انفال/۴۸) پس تا زیبایی و زینت در چیزی نباشد، کششی هم صورت نمی‌گیرد. این «زین لهم الشیطان» در

چند آیه دیگر در قرآن هم آمده است. تکرار این موضوع هم نشان می‌دهد خداوند روی این هشدار، اصرار دارد و می‌خواهد انسان را از این زیبا جلوه دادن‌های کاذب آگاه کند. اینکه خداوند انسان را با زیبایی دین و ایمان آشنا می‌کند و در برابر کفر و نفاق و گناه حالت نفرت را دل آنها ایجاد می‌کند، از نعمات خداوند است که هر انسانی باید آن را بشناسد و قدر بداند. اگر این نعمت پاس داشته نشود، یعنی کفران صورت گرفته و نعمت به نعمت تبدیل شده است. اینجاست که خداوند درباره بعضی بندگان می‌فرماید: «آیا ندیده‌ای آن کسان را که نعمت خدا را به کفر بدل ساختند و مردم خود را به دیار هلاک بردند؟» (ابراهیم/۲۸) هر نعمتی که خداوند برای شناختن راه انسانیت و بندگی به ما داده است، اگر قدر دانسته نشود، به کفر و نعمت تبدیل می‌شود و بلائی آن دامن‌گیر خود ما می‌شود. علم و آگاهی، دوستی و دشمنی، محبت و بغض و... حتی حالت‌های متفاوت در مقابل اتفاقات متفاوت که بجا و لازم است همگی از نعمات خداوند است. آنجا که خوشمگین می‌شویم، آنجا که تألم خاطر پیدا می‌کنیم، آنجا که خوشحال یا غمگین می‌شویم و لازم است که این حالات را داشته باشیم، نوعی آگاهی و انسانیت است. در مقابل شیطان می‌خواهد ما را در واکنش

به اتفاقات دچار حالت‌های متفاوت کند. یعنی آنجا که باید خوشحال شویم، غمگین می‌شویم، آنجا که باید مخالفت کنیم، سکوت می‌کنیم، آنجا که باید دور شویم، نزدیک می‌شویم و... در مقابل رفتارهای غیرالهی باید حال‌مان حال مخالفت و مقابله باشد. همه اینها نیازمند شناخت واقعی است که زیبایی‌های دروغین، حقیقی دیده نشود و به‌عکس آنچه به دروغ منفور معرفی شده را زیبا و محبوب بدانیم. چنانچه فرمود: «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (عنکبوت/۴۹) خداوند آیات و نشانه‌های خود را در سینه اهل علم قرار داده است. شاید برخی افکار و رفتار در ظاهر زیبا باشند، ولی در باطن زشت هستند. پس در اینجا باید حتی از ظاهر آن دوری کنیم؛ چه رسد به آنکه ظاهرشان هم زشت باشد. خداوند در قرآن دستور می‌دهد به دوری از ظاهر و باطن گناه و می‌فرماید: «گناهان آشکار و پنهان را رها کنید؛ زیرا کسانی که گناه می‌کنند، به‌زودی در برابر آنچه مرتکب می‌شدند، مجازات خواهند شد.» (انعام/۱۲۰)

این هشدارها و اخطارها و دستورها، کرامت انسان را حفظ می‌کند و او را در تحقیر و ذلالت و نجات می‌دهد. همان‌طور که امام سجاد(ع) در دعای ابوحمزه می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَّنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَ لَمْ يَكْلِبْنِي إِلَى النَّاسِ حَرَكْتُ كَتَنْتُ»

سلوک

عزاداری فاطمیه

آیت‌الله محمدعلی جاودان: مهم‌ترین شعار دین ما «لا اله الا الله» است. شروع این شعار با نفی و تبرا و پایان آن تصدیق و تولاست. دین باید طوری باشد که قبول‌کردنش برای فرد تولا و تبرا ایجاد کند. ماجرای حضرت زهرا(س) چیزی نیست که از آن بگذریم. بعد از رحلت رسول اسلام(ص) وقایعی رخ داد که خیلی چیزها را مشخص کرد و ما باید آنها را حفظ کنیم. باین‌حال، برای آنکه به وحدت بین مسلمانان هم خدشه‌ای وارد نشود، می‌توانیم برخی نکته‌ها را غیرمستقیم بگوییم. لازم نیست همه چیز را واضح بگوییم. همین شیوه‌ای که الان در مراسم‌های عزای فاطمی است، درست به نظر می‌رسد.



احکام

استخاره

پرسش: بنا بر آنچه گفته می‌شود که در کارهای خیر نیازی به استخاره نیست؛ آیا درباره کیفیت انجام آنها یا مشکلات پیش‌بینی نشده‌ای که در خلال انجام آنها ممکن است پیش بیاید، استخاره جایز است؟ و آیا استخاره راهی برای شناخت غیب محسوب می‌شود یا اینکه فقط خدا از آن آگاه است؟

پاسخ: استخاره برای رفع حیرت و تردید در انجام کارهای مباح است؛ اعم از اینکه تردید در اصل عمل باشد یا در چگونگی انجام آن. بنابراین در کارهای خیر که در آنها حیرت وجود ندارد، استخاره لازم نیست و همچنین استخاره برای آگاهی از آینده شخص یا عمل نیست.

مقام معظم رهبری، اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۱۴۳۵



راه‌نما

علوم انسانی اسلامی؟!!

حجت‌الاسلام احمد واعظی: برخی علوم انسانی اسلامی، علوم انسانی را با قفه و استنباطات فقهی اشتباه گرفته‌اند و پسوند اسلامی را به معنای التزام به رویکرد اجتهادی و استنباطی آن طور که در قفه وجود دارد، می‌دانند. یعنی دانش درجه اول در علوم انسانی را محصول مراجعه به کتاب و سنت و استنباط از منابع نقلی دین می‌دانند. علوم انسانی عرض عریضی دارد و جنس برخی از علوم انسانی جنس فلسفی است. برای مثال، فلسفه فرهنگ و ذهن و زبان جنس فلسفی دارند و وقتی قصد داریم دنبال فلسفه ذهن و فرهنگ اسلامی باشیم، به معنای آن نیست که از وجه فلسفی به وجه فقهی بدل شود.



تقویم انقلاب

دیپلماسی و دفاع مقدس

سید مهدی حسینی

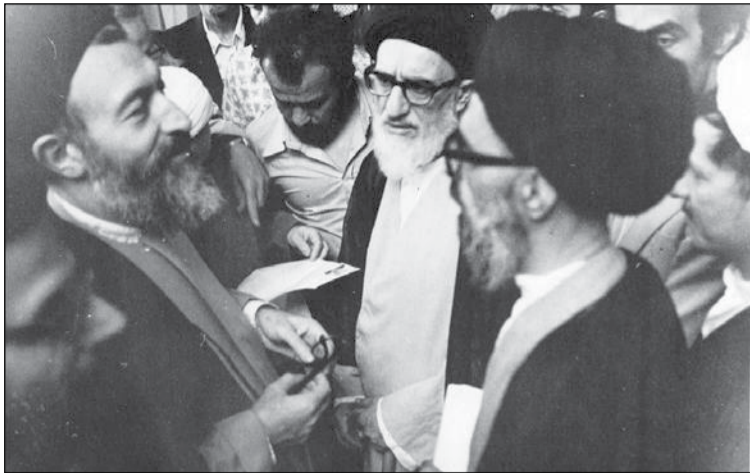
مورخ و پژوهشگر



در نیمه دوم سال ۱۳۶۰، یعنی در تاریخ ۲۳ آذر، نخست‌وزیر وقت طی نامه‌ای به مجلس، آقایان علی‌اکبر ناطق‌نوری و دکتر علی‌اکبر ولایتی را برای وزارت کشور و وزارت امور خارجه پیشنهاد داد که هر دو در تاریخ ۲۵ آذر همان سال از مجلس رأی اعتماد گرفتند و اعضای کابینه کامل شد. این دو وزارت‌خانه هر یک از جنبه‌های گوناگونی اهمیت داشتند؛ اما تأخیر در تعیین وزرا جای تأمل دارد؛ زیرا ضمن اینکه مسئولیت امور داخلی بر عهده وزارت کشور بود، این وزارت‌خانه در تعیین استانداران و فرمانداری‌ها دخیل بود و نقش اساسی داشت. از طرفی در سال ۱۳۶۰ وضعیت امنیت و نظم عمومی در اثر غائله‌آفرینی گروهک‌های تروریستی خوب نبود و وزارت کشور باید در این زمینه فعالیت می‌کرد و اوضاع سیاسی داخلی کشور را سامان می‌داد. نداشتن وزیر کشور در حالی است که در این ایام کشورمان درگیر جنگ و تجاوز رژیم بعث حاکم بر عراق بود و معضلات سیاسی و اجتماعی بسیاری در کشور وجود داشت. افزون بر آن، وزارت امور خارجه دولت از ابتدای تأسیس نظام دچار مشکلات عدیده‌ای بود و وقتی هم که دولت شهید رجایی تأسیس شد، به دلیل اختلافات مجلس با رئیس‌جمهور وقت، یعنی بنی‌صدر وزارت امور خارجه وزیر نداشت. گفتنی است، یکی از عناصر اصلی و مهم دولت در وضعیت جنگی، وزارت امور خارجه است؛ اما این وزارت‌خانه تا آذرماه سال ۱۳۶۰ وزیر امور خارجه نداشت؛ ضروری بود وزرای خارجه و سفرائی کشورمان در برابر پیروزی‌های نظامی و امنیتی ما هم در داخل کشور و هم در مرزها از خودشان تحرکی نشان می‌دادند و به دولت‌ها تفهیم می‌کردند که حق با جمهوری اسلامی است یا حداقل کشورها را وادار می‌کردند که تجاوزگری رژیم بعث را محکوم کنند، البته نه با زور و قدرت، تهدید و... بلکه با استفاده از زبان دیپلماسی، واقعیت‌های مسائل روز را توجیه می‌کردند و از حق ایران دفاع می‌شد. همه اینها در حالی است که خیلی روشن و آشکار رژیم بعث عراق هر جنایتی را مرتکب می‌شد، اما دستگاه‌های تبلیغاتی جنگلی به عراق حق می‌دادند و هر دروغ و اتهامی را به ما می‌بستند و رسانه‌ها و بلندگوهای کنفرانس‌ها همه علیه ایران موضع مشترک می‌گرفتند؛ به گونه‌ای که کشورهایی چون عربستان، بحرین، امارات، عمان، قطر و کویت همه را از ایران ترسانده بودند و ایران را کشور توسعه‌طلب معرفی می‌کردند و از طرف دیگر این کشورها همسایه به آمریکا و اروپا بیشتر متکی می‌شدند. دستگاه‌های تبلیغاتی آنچنان بدفهمی‌های سیاسی را در برخی کشورها جا انداخته بودند که از صدور انقلاب سقوط رژیم یا کشورگشایی را برداشت می‌کردند. این تبلیغات وسیع و دامنه‌دار و حساب شده که حلقه‌های زنجیره‌ای نوشته جهانی را به گونه‌ای به دنبال داشت که زمینه تجاوز و سلطه‌جویی قدرت‌های به اصطلاح جهانی را فراهم می‌کرد؛ در حالی که ایران به دنبال دوستی، تفاهم، همکاری و زندگی مسالمت‌جویانه با کلیه دولت‌های پیرامونی خود بود. ضعف فعالیت دستگاه دیپلماسی تا جایی بود که عملیات‌های بزرگی، همچون نام‌الانمه و طریق‌القدس که دستاوردهای بسیار خوبی داشتند، از طریق دیپلماسی و چندان نمایش داده نشد و شاید ده‌ها صداها مباحث دیگری که جزء منافع ملی ایران و انقلاب اسلامی بود به دلیل نداشتن وزیر خارجه فرصت‌سوزی شد.

گامیابان و ناگامان

مروری بر روند برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی - ۶



خلق) نفر ۲۳ (۱۰۰۸۹۴)، حشمت‌الله رنیزی (نامزد مورد حمایت چریک‌های فدایی خلق) نفر ۲۴ (۹۰۶۴۱)، زهرا رهنورد نفر ۲۵ (۷۷۹۳۲)، مهدی حاج قاضی‌فدایی (نامزد مورد حمایت چریک‌های فدایی خلق) نفر ۲۷ (۵۶۰۸۵)، احسان طبری (حزب توده) نفر ۲۹ (۴۷۲۲۵)، نورالدین کیانوری (حزب توده) نفر ۳۲ (۳۲۶۲۷)، محمدعلی امویی (حزب توده) نفر ۳۳ (۲۵۷۹۲)، لطف‌الله میثمی نفر ۴۱ (۱۱۲۷۴)، پروانه فروهر نفر ۴۳ (۸۱۱۰)، نورعلی تابنده نفر ۴۸ (۳۳۴۳)، سیداحمد فردید نفر ۸۴ (۲۰۱).

این آرا به‌خوبی وزن احزاب و گروه‌های سیاسی مدعی آن روزها را نشان می‌دهد و برخی از اصول قانون اساسی تا چه اندازه اعتبار داشته‌است.

نتایج انتخابات موجب شد جریان‌های مخالف ملت و خط امام انتخابات را انتصابی و تشریفاتی دانسته و سلامت آن را زیر سؤال ببرند. آنان که با اقبال مردمی مواجه نشده و نامزدهای شان در سراسر کشور با بی‌توجهی مردم از ورود به مجلس خبرگان جا مانده بودند، تلاش کردند تا سلامت انتخابات را زیر سؤال برند و آن را نوعی انتخاباتی مهندسی‌شده به نفع طبقه روحانیت و حزب جمهوری اسلامی جلوه دهند. گروهک‌های واگرا که سرشان بی‌کلاه مانده و مردم به آنان کم‌توجهی کرده بودند، مخدوش‌نشان‌دادن انتخابات را حربه خود قرار دادند تا رأی ملت را زیر پا بگذارند و از تسلیم‌شدن در برابر خواست ایشان بگریزند. برای نمونه چریک‌های فدایی خلق مدعی شدند:

«در انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، مهم‌ترین ثقل بدون‌صندوقی که انجام شد، در درجه اول استفاده عوام‌فریبانه از جاذبه عمومی امام بود و در درجه بعد، استفاده از ناآشنایی مردم به ضوابط دموکراتیک در انتخاب آزاد.»

«آیت‌الله سیدمحمد طالقانی نفر اول (۲۰۱۶۸۵۱ رأی)، ابوالحسن بنی‌صدر نفر دوم، (۱۷۶۳۱۲۶ رأی)، آیت‌الله حسینی منتظری نفر سوم (۱۶۷۲۹۸۰ رأی)، دکتر علی گلزاده غفوری نفر چهارم (۱۵۶۰۹۷۰ رأی)، دکتر سیدمحمد بهشتی نفر پنجم (۱۵۴۷۵۵۰ رأی)، عزت‌الله سحابی نفر ششم (۱۴۴۹۷۱۳ رأی)، حجت‌الاسلام موسوی اردبیلی نفر هفتم (۱۳۸۹۷۴۷ رأی)، دکتر عباس شیبانی نفر هشتم (۱۳۸۷۸۱۲ رأی)، خانم منیره علی (گرچی) نفر نهم (۱۳۱۳۷۳۱ رأی)، علی محمدعرب نفر دهم (۱۳۰۵۱۳۶ رأی)»

رأی دیگر نامزدهای مشهور متعلق به احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف این چنین صاحب رأی شده و با اختلاف فاحش در رده یازدهم به بعد قرار داشتند: علی اصغر حاج سیدجوادی نفر ۱۱ (۲۹۸/۳۶۰)، مسعود رجوی نفر ۱۲ (۲۹۷/۷۰۷)، عبدالکریم لاهیجی نفر ۱۴ (۱۶۹۷۹۸)، حبیب‌الله پیمان نفر ۱۵ (۱۶۴۶۴۴)، اعظم طالقانی نفر ۱۷ (۱۴۲۴۳۰)، رقیه دانشگری (نامزد مورد حمایت چریک‌های فدایی خلق) نفر ۱۹ (۱۱۵۳۳۴)، مصطفی مدنی (نامزد مورد حمایت چریک‌های فدایی

بازداشت شدند. براساس آنچه وزارت کشور اعلام کرده بود، در سراسر ایران حدود ۱۸ هزار حوزه رأی‌گیری، مأمور اخذ رأی مردم بودند که از این تعداد ۲۲۰۰ حوزه برای رأی‌گیری از ساکنان استان تهران اختصاص داده شده بود. همچنین در این انتخابات حدود ۶۰ هزار نفر در جریان برگزاری انتخابات با وزارت کشور همکاری می‌کردند. در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸، انتخابات اولین دوره مجلس خبرگان قانون اساسی با حضور گسترده مردم برگزار شد.

نتایج نهایی انتخابات بعد از دو روز اعلام شد و خیر از ورود اکثریت مطلق کاندیداهای خط امام به مجلس داد و دیگر جریان‌ها، تنها تعداد محدودی از صندلی‌های مجلس را به‌دست آوردند. در تهران لیست مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی رأی آورد. نتایج انتخابات نیز بازگوکننده این حقیقت بود که گروه‌های جدای از امت و امام امت نخواهند توانست در فرایندی دموکراتیک اکثریت رأی ملت را کسب کرده و صاحب کرسی رسمی قدرت در جمهوری اسلامی شوند؛ لذا فردی از نامزدهای مورد علاقه این جریان‌ها در ده نفر برتر استان تهران نبود. منتخبین تهران عبارت بودند از:

حافظه | میلیون‌ها برده

نگاهی به بهره‌کشی استعمارگران غربی از مردم آفریقا

درباره حجم تجارت جهانی برده، ارقام متفاوتی ارائه می‌شود. اعداد آن‌قدر گویا هستند که بتوان ابعاد این پدیده بسیار مهم را در اقتصاد دوران آغازین تمدن جدید غرب شناخت. تا سال ۱۶۱۹ میلادی، یک میلیون سیاه‌پوست به‌عنوان برده به معادن و مزارع نیشکر «مستعمره‌های اسپانیایی و پرتغالی» واقع در آمریکای جنوبی و جزایر کارائیب وارد شدند. در آستانه سده نوزدهم، در قاره آمریکا، اسپانیایی‌ها ۷۷۶ هزار و فرانسوی‌ها نیم‌میلیون برده سیاه در تملک داشتند.

شکار برده در آفریقا حتی پس از ۱۸۱۵ میلادی، که برده‌فروشی غیرقانونی شد، ادامه داشت. این دادوستد به وسیله تجار عرب و خارجی انجام می‌شد. با ورود سوداگران آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و پرتغالی در اواسط قرن نوزدهم، بدترین دوره تجارت، یعنی تجارت عاج و برده آغاز شد. در اوج پیشرفت این دوره، هر ساله ۱۳۰ هزار برده به‌منظور صدور از زنگ‌بار جمع‌آوری می‌شدند.

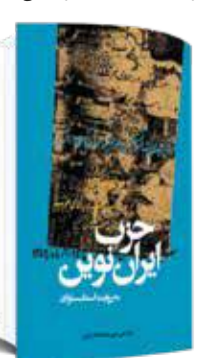
از این عده ۱۰۰ هزار تن در بین راه تلف می‌شدند. تنها در دوره ۱۸۰۸-۱۸۰۶، تقریباً یک میلیون برده را از آفریقا به‌طور قاجاق خارج کرده و به ایالات‌متحده آمریکا فرستادند.

در تجارت پرسود برده، کشیشان، سربازان و سوداگران با یکدیگر رقابت می‌کردند. برآوردها نشان می‌دهد در فاصله سال‌های

دهلیز | کمیته محرمانه

مروری بر وابستگی رژیم دیکتاتوری پهلوی

حکومت دست‌نشانده حکومتی است که بیگانگان آن را خلق و اداره می‌کنند. در این حکومت، نفوذی‌های بسیاری در بخش‌های مختلف کشور حضور دارند که همگی به نحوی مأمور بیگانگان هستند. حکومت پهلوی حکومت دست‌نشانده بود که آمریکایی‌ها در تمام ارکان آن نفوذ داشتند و سیاست‌های آنان را پیش می‌بردند. آنها حتی در احزاب دولت‌ساخت زمانه پهلوی نیز نفوذ داشتند. برای نمونه؛ آمریکایی‌ها قسمتی از سیاست‌های خود را از طریق تشکیلات کمیته‌های محرمانه در حزب ایران نوین دنبال و سعی می‌کردند نقش خود را پنهان کنند. در کتاب «حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک» که از طریق مرکز بررسی اسناد تاریخی انتشار یافته است، گزارشی از ساواک در خصوص این کمیته آمده که چنین نوشته است: «در حزب ایران نوین کمیته محرمانه‌ای وجود دارد که از طرف مقامات سیاسی آمریکا (سازمان سیا) تقویت می‌شود و قدرت داخلی حزب کاملاً در اختیار این کمیته است و هر تصمیمی که این کمیته بگیرد، شورای مرکزی حزب کورکورانه آن را مورد تصویب و تأیید قرار می‌دهد. کارگردانی کمیته آمریکایی حزب را به سه نفر به نام دکتر کلایی، دکتر یگانه وزیر مشاور و دکتر رشتی برعهده دارند و این کمیته سه‌نفری دسته دیگری را هم در اختیار دارد که در کادر وسیع‌تری نظریات کمیته را اجرا می‌کنند. افراد دسته مذکور که همکاران کمیته آمریکایی حزب می‌باشند، عبارت‌اند از: «مهندس معینی زنده» نماینده شاهرود، «مهندس ستوده» وزیر پست و تلگراف،



فعالیت سیاسی دانشجویی

امروز چیست؟

سیدجمال جمالی

دکترای سیاست‌گذاری عمومی

جنبش دانشجویی در عصر ما به یکی از حرکت‌های فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است و چه از طرف سیاست و چه از طرف دانشگاه، رغبتی دوجانبه برای برقراری نسبت و ارتباط بین این دو وجود دارد. اهمیت فعالیت سیاسی در دانشگاه از چند جنبه انکارناپذیر است و به همین دلیل، هم انقلاب اسلامی در سطح رهبران و سیاست‌گذاران و هم نظام‌های استیلاطلب به‌عنوان سرمایه‌گذاران در جریان‌های اجتماعی کشورهای دیگر، برای تحقق کارکرد مدنظر خود، در نسبت دانشجو و سیاست‌می‌کوشند.

در بخش عمده تاریخ جنبش دانشجویی، این قشر به‌مثابه چشم بنیادی جامعه عمل کرده است. به بیان عمیق‌تر، در دهه سی، جنبش دانشجویی از خواسته مردم پشتیبانی کرد و با آغاز نهضت اسام خمینی (ره)، دانشجویان در کنار امام و با پیروی از مقام معظم رهبری، به حمایت از مردم در مقابله با رژیم ستم‌شاهی پرداختند. این رویه، اغلب از سوی گروه‌های مختلف دانشجویی تا ششمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری دنبال شد. ولی در دوران اصلاحات گسستی بین مردم و دانشجویان دیده می‌شود که حادثه کوی دانشگاه و... دلیلی بر گسل به‌وجودآمده بین مردم و اقشار دانشجویی کشور بود.

عوامل زیادی موجب این گسل شد که در این میان، جنگ شناختی و جنگ قدرت و نه خدمت بین جناح‌های موجود کشور، از آن جمله است. خود این مسئله نشان می‌دهد هرگاه جنبش دانشجویی به جناح‌ها و نه به مردم بپیوندد، از هویت واقعی و تاریخی خود، که حمایت از مردم بوده است، فاصله می‌گیرد. یکی از ضروریات پویایی هر جامعه، فعالیت سیاسی دانشجویان به همراه تحصیل علم و دانش است. فهمیدن و تحلیل درست مسائل و جریان‌های سیاسی در سطوح داخلی و جهانی جزء رسالت دانشجو است.

♦ ضرورت سیاسی بودن دانشجویان

در ضرورت سیاسی بودن دانشجو، مقام معظم رهبری در دیداری به مناسبت «روز ملی مبارزه با استکبار» در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۷۲ چنین می‌فرمایند: «بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما، شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتی دانش‌آموزان مدارس، روی این‌ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ باشد! خدا لعنت کند آن دست‌هایی که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند. کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند، مسائل سیاسی دنیا را دنیا را نمی‌فهمند، جریان‌های سیاسی دنیا را نمی‌فهمند و تحلیل درست ندارند. مگر چنین کشوری می‌تواند بر دوش مردم، حکومت و حرکت و مبارزه و جهاد کند؟» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۸/۱۲). دقت در این جملات رهبری، ضمن تبیین چرایی لزوم سیاسی‌بودن دانشجویان برای نظام‌های مردم‌سالار، عمق اعتقاد رهبر معظم انقلاب به این بایسته و رسالت دانشجویی را نشان می‌دهد.

♦ دست‌یابی به آرمان‌ها؟

مطابق منظومه فکری رهبر معظم انقلاب رسالت دانشجو بسیار مقدس است و نباید آلوده به اغراض جناحی و سیاسی شود؛ اما این موضوع به معنای نداشتن تحلیل سیاسی نیست. به همان مقدار که کار جناحی دانشجو و دانشگاه را از رسالت ملی و اسلامی و خدمت به مردم دور می‌کند، نداشتن تحلیل سیاسی روزآمد و رصدکردن جبهه‌بندی‌هایی که در دنیا حاکم است یا شناختن روندهایی که تغییر هندسه قدرت جهانی را اعلام می‌کند، دانشجو و دانشگاه را از حیز انتفاع می‌اندازد. از این رو، سؤال این است که هدف جنبش دانشجویی چیست؟ آیا دانشجو باید برای رسیدن به قدرت همانند کارکرد احزاب و جناح‌های سیاسی باید عمل کند یا پیگیری آرمان‌ها و اهداف ملت به‌مثابه نماینده مدنی و اجتماعی مردم برایش باید حائز اهمیت باشد؟

رهبر معظم انقلاب در دیدار استادی و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در تاریخ ۲۴/۹/۱۳۸۷ درخصوص تفاوت کار دانشجویی با کار حزبی چنین می‌گویند: «تشکل دانشجویی با کار حزب فرق دارد. احزاب و سازمان‌های سیاسی در وضع رایج و متعارف عالم، تشکیلاتی هستند که برای رسیدن به قدرت به وجود آمده‌اند. احزاب در دنیا این‌جورند؛ یعنی مجموعه‌هایی تشکیل می‌شوند برای اینکه قدرت سیاسی را در جامعه در دست بگیرند. این خاصیت حزب است. تشکل‌های دانشجویی مطلقاً برای این به وجود نمی‌آیند و نمی‌خواهند قدرت را در دست بگیرند. تشکل‌های دانشجویی برای رسیدن به آرمان‌ها به وجود می‌آیند که فراتر از مسئله به قدرت سیاسی رسیدن و حکومت را به دست گرفتن است. این قدرت سیاسی برایشان مطرح نیست. البته احزاب بدشان نمی‌آید از این مجموعه‌های دانشجویی برای رسیدن به قدرت استفاده کنند. به نظر ما این، روانیست و خود دانشجویها باید به این توجه داشته باشند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار استادی و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴)

♦ فعالیت سیاسی دانشجویی

به نظر می‌رسد معنای اصیل فعالیت سیاسی دانشجویی در سه بعد قابل بررسی است و توجه به این ابعاد می‌تواند به فعالیت سیاسی این قشر فاخر معنادار:

بعد اول؛ دانشگاه خواه یا ناخواه قطب اصلی «تربیت‌کننده» نسل بعدی سوسیون نظام است. دانشجویان کنشگر سیاسی در فضای دانشگاه احتمالاً گزینه‌های اصلی هدایت سسکان آینده کشور هستند و شیوه مواجهه امروز آنان با مسائل سیاسی در دانشگاه می‌تواند تأثیر جدی بر برخوردشان از جایگاه مدیران سیاسی نظام در آینده با مسائل کشور داشته باشد.

بعد دوم؛ «جریان‌سازی سیاسی» و فراگیرکردن یک گفتمان، بنا به خاصیت «مرجعیت» فکری در جامعه، به‌سادگی تحقق می‌یابد. معمولاً در خانواده، اقوام و دوستان، افراد

تحصیل‌کرده نه‌فقط از نظر علمی، بلکه در زمینه اظهارات سیاسی و... نیز مرجع به‌حساب می‌آیند و همین مسئله توان جریان‌سازی مضاعف به قشر دانشجو اعطا کرده است.

بعد سوم؛ قدرت «مطالبه‌گری» دانشجویان است که باتوجه‌به روحیه جوانی و نبود وابستگی‌های منجر به محافظه‌کاری، طبیعت این طیف را به مطالبه‌گری فعال فارغ از عاقبت‌اندیشی وا می‌دارد؛ امری که برخی تحلیلگران سیاسی را بر آن داشته است که جنبش دانشجویی را ذاتاً جنبشی رادیکال به‌حساب آورند. بر همین اساس است که مختصات جنبش دانشجویی اصیل را از منظر مقام معظم رهبری باید در ویژگی‌های مهمی همانند ضداستکباری، ضدفساد و ضداشرافی بودن، تعقل و تفکر پیرامون مسائل سیاسی، امید و تلاش برای ساخت آینده بهتر جست‌وجو کرد.

♦ نتیجه‌گیری

مبتنی بر مختصات و ویژگی‌های گفتمانی و کارآمدی جنبش دانشجویی که به برخی از آنها در سطور فوق اشاره شد، امروز که دشمن با جنگ شناختی به مصاف انقلاب و ایران اسلامی آمده و می‌خواهد ملت ایران را در درون به خود مشغول و از تداوم مسیر پیشرفت باز دارد، رسالت دانشجویان به‌عنوان افسران جنگ نرم، ورود آگاهانه در میدان نبرد ترکیبی و شناختی است تا در پرتو جهاد تبیین ضمن خنثی‌سازی طراحی‌های دشمنان انقلاب، با تاباندن نور روشنگری و بصیرت بر دستاوردهای کشور دل‌های مردم و جوانان را گرم و امیدوار کنند. مسلماً، یکی از هدف‌گذاری‌های مهم امروز و فردای دشمنان در راستای جنگ نرم و شناختی، معطوف به مهم‌ترین تحول انتهایی سسال یعنی انتخابات است. تلاش برای قهر مردم با صندوق‌های رأی و لاینحل‌نشان‌دادن مشکلات در این راستاست. دانشجویان به‌مثابه اقشار آگاه و نخبه کشور می‌توانند در این میدان نقش بصیرتی و امیدآفرینی ایفا کنند و این واقعیت را سر دست بگیرند که اگر به دنبال حل مشکلات کشور هم هستیم، باز بهترین راه همان انتخابات و سپردن مناصب به شایستگان از طریق رأی‌دادن است.

آفاق

چهره پنهان سیاست - ۱۰۷

نفوذ علوم انسانی غربی

از علم مدرن است که قبل از آن تقسیم‌بندی علوم بدین صورت نبود. در پیدایش علم مدرن، ابتدا دو شاخه علوم ریاضی و فنی و شاخه علوم طبیعی شکل گرفت. شاخه سوم یعنی علوم انسانی در قرن هجدهم حالت نطفه داشت. صورت ابتدایی آن را می‌توان در چهره‌های معروفی مانند «منتسکیو» (یکی از اندیشمندان لیبرال اشرافی اهل فرانسه)، «هابز و روسو» (فیلسوف اومانیسم و به‌نوعی پدر اندیشه دموکراسی مدرن) و «آدام اسمیت» انگلیسی (پدر علم اقتصاد مدرن) ملاحظه کرد. علوم انسانی مدرن غرب از همان ابتدا بر بنیاد و ماهیت اومانیستی و سکولاریستی تکیه داشت و غایت آن نیز سلطه مادی بر جهان مادی است؛ در حالی که غایت علم دینی ارتقای معنوی، کمال وجودی و رشد انسان و قرب او به حق است. (شهریار زرشناس، ۱۳۹۳/۱۰/۲۳) بااین حال، غرب از قرن هجدهم به بعد انبوهی از دانش و علوم انسانی مبتنی بر فلسفه و جهان‌بینی غربی را تولید و توزیع کرد که اکنون بر همه مراکز آموزشی و دانشگاهی جهان نفوذ، سیطره، غلبه و مرجعیت بلامنزاعه پیدا کرده است؛ به نحوی که در باور نخبگان تحصیل‌کرده این‌عالم در جهان، پذیرفتنی نیست که علوم بومی و اسلامی می‌تواند جایگزین آن شود. نفوذ علوم انسانی غربی چنان در جان و فکر عده‌ای عمق یافته است که این گونه وانمود می‌کنند که علم از غرب شروع شده و به غرب خاتمه می‌یابد. واکنشی که این دسته از نخبگان در برابر اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها داشته‌اند، از همین جنس بوده است. همین عامل نیز مهم‌ترین مانع در مسیر تحقق علوم انسانی اسلامی است.

سیامک باقری

دکترای علوم سیاسی



۱۱ خرد

شماره ۱۱۲۱ | دوشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۲

صداقت

سیاست نامه

سیدعبدالحسین لاری - ۳۴ رفع ظلم و رهایی از استبداد



فتح‌الله پریشان

دبیر گروه اندیشه

اندیشه سیاسی سیدلاری به تشکیل حکومت اسلامی کوچکی در منطقه جنوب به مرکزیت لارستان منجر شد. این حکومت اگرچه مستعجل بود، توانست اقداماتی در سامان‌بخشی امور اجرایی و اداری از جمله اجرای حدود اسلامی در نواحی تحت سلطه، ساماندهی نیروهای نظامی با اختصاص نشان ویژه برای آنها، چاپ و تکثیر تمبر مخصوص با عنوان «پست ملت لار» و «پست ملت اسلام» و اخذ مالیات‌های شرعی از اقشار مختلف مردم منطقه انجام دهد. البته رفتارها و اقدامات لاری مخالفان و موافقانی نیز داشته است. موافقان بر این باورند که رویه وی اجرای احکام اسلامی بوده و از نخستین افرادی است که اندیشه اسلامی را به عمل نزدیک کرده است. از نظرگاه موافقان، اقدامات سید با عناوین «تشکیل حکومت اسلامی»^(۱) و «اجرای عملی نظریه ولایت فقیه»^(۲) تعبیر شده است. اما این اقدامات سید از دید مخالفان با عناوینی مانند «شورش علیه دولت»^(۳) و «تجزیه‌طلبی»^(۴) یاد شده است. منتقدان برآنند که سیدلاری با این اقدامات خود، علیه حاکمیت وقت شورش کرده و تن به قوانین مملکتی نداده است. مرحوم «دکتر سیدجواد طباطبایی» نیز با ارائه پاره‌ای استنادات از نوشته‌ها و گفته‌های سیدلاری بر این باور بود که وی چندان اطلاع دقیقی از مفاهیمی مانند مشروطه، مجلس شورای ملی و حتی تاریخ اسلام نداشته است.^(۵) رویکرد انتقادهای طباطبایی بر اندیشه علمای اسلامی همانند سیدلاری رویه افراطی با خاستگاه غربی داشته، اما در برخی از استنادات، از جهت عدم انصاف لاری بر پاره‌ای از مفاهیم جدیدالتأسیس همچون قانون ملی، منطقی است. البته در این میان نباید از نکته‌ای غفلت ورزید؛ زمانه سیدلاری دورانی بوده که مشروطه‌خواهان، به‌تازگی بر مفاهیم دنیای مدرن التفات یافته بودند و رهایی از حاکمیت استبداد را در خاطر می‌پروراندند. سیدلاری به‌غایت تلاش می‌کند تا مفاسد حاکمیت ظلم را برجسته کند و آن را به تصویر بکشد. از نخستین رساله‌هایی که از سیدعبدالحسین لاری در مباحث اجتماعی و سیاسی به‌دست رسیده، رساله‌ای با عنوان «آیات الظالمین» است. سید در این رساله، همه آیاتی که درباره ظلم آمده، احصاء و در مواجهه با استبداد به آنها تمسک جسته است.^(۶) وی ظلم را «صریح مذهب کفریه» می‌داند که از مذهب حقه عدلیه عدول کرده‌اند.^(۷) لاری ظلم را خاستگاه همه تباهی‌ها و عدل را موجب همه ترقیاتی می‌داند که قومی می‌تواند بدان نائل شود.^(۸) سیدعبدالحسین لاری با تمسک به آیات قرآنی، قبح ظلم را استخراج می‌کند و می‌گفت: «قبح ظلم در دیانت اسلام به درجه‌ای است که خداوند به موجب آیه ۳۳ از سوره مانند برای نوعی از ظلم که در این زمان متداول شده، یعنی «محاربه با مسلمانان» چنان حد و عقوبتی معین کرده که برای هیچ‌یک از انواع کفر و ارتداد چنین حدود و عقوبتی دنیوی مترتب و مقرر نفرموده است.»^(۹) سیدعبدالحسین حتی از مرحوم مجلسی نقل می‌کند که هرگونه همکاری با شاهان و سعی در رفع نیازهای آنان معادل کفر است و می‌نویسد که «عمداً به سوی ایشان نظر کردن گناه کبیره است.»^(۱۰) سید تفاوت حکومت مشروطه و حکومت استبدادی را چونان تفاوت ایمان و کفر می‌دانست. به نظر می‌رسد همت اصلی سیدلاری در جهت رفع ظلم بوده و رهایی از استبداد اولویت اول سیاسی وی بوده است. منابع در دفتر نشریه موجود است.

میخی دیگر بر تابوت سازمان ملل

چرا آمریکا قطعنامه پیشنهادی دبیر کل سازمان ملل برای غزه را وتو کرد؟

ثامنه اکوان

دبیر گروه بین‌الملل



از منظر حقوق بین‌الملل، زمانی که سؤال می‌شود پس از جنگ جهانی دوم، حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی چگونه توانسته‌اند عملکردی در ایجاد و تثبیت صلح جهانی داشته باشند؟ معمولاً پاسخ داده می‌شود که حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی، کارایی ۱۰۰ درصد قابل دفاعی در ایجاد صلح در جهان نداشته‌اند؛ اما وجود داشتن قانونی جهانی که بتواند قدرت‌ها و کشورها را از انجام «هر آنچه می‌خواهند» باز دارد، بهتر از بی‌قانونی و آشوب و بی‌نظمی است. با این حال، بر اساس ادعای قدرت‌های جهانی به‌وجودآورنده سازمان ملل و مسئولان این سازمان، حقوق بین‌الملل تاکنون توانسته جلوی بسیاری از جنگ‌ها را گرفته یا حداقل، جنایتکاران جنگی را به مجازات‌شان برساند و نوعی بازدارندگی در مقابل اقدامات بعدی احتمالی به وجود بیاورد. منتقدان سازمان ملل که این روزها به‌دنبال تغییر ساختار این سازمان و به‌خصوص برداشته‌شدن حق وتو برای پنج عضو دائم شورای امنیت هستند، معتقدند مشکل اصلی در ساختار فعلی این سازمان این است که اگر هر جنگی به‌واسطه این پنج عضو شکل بگیرد، سازمان ملل عاجز از ممانعت از آن یا مجازات عاملان اصلی این جنگ است؛ زیرا هر قطعنامه‌ای به ضرر این کشورها باشد، بلافاصله توسط نمایندگان آنها در شورای امنیت وتو می‌شود. البته درباره جنگ صهیونیست‌ها با مردم غزه می‌توان رژیم صهیونیستی را جزو حکومت‌هایی به‌حساب آورد که تفاوتی میان آن و ایالات متحده در اعمال حق وتو وجود ندارد. ایالات متحده بر همین اساس تاکنون سه قطعنامه پیشنهادی کشورهای مختلف برای توقف جنگ را وتو کرده است و در مجمع عمومی سازمان ملل نیز در انزوای کامل، رأی به قطعنامه پیشنهادی این مجمع نداد.



بعهد از اینکه دبیر کل سازمان ملل متحد در اقدامی مهم و نمادین، از فعال‌کردن ماده ۹۹ فصل ۱۵ منشور سازمان ملل متحد خیر داد، بسیاری بر این گمان بودند که به دلیل کم‌سابقه بودن استفاده از این ماده توسط دبیر کل سازمان ملل و ابراز نگرانی شدید «آنتونیو گوتش» درباره شرایط انسانی و حقوق بشری در غزه، ایالات متحده دیگر روسی برای وتوی این قطعنامه نخواهد داشت. البته کاملاً واضح بود که کشوری که خود مدیریت حملات علیه مردم غزه را در دست گرفته و به رژیم صهیونیستی برای نسل‌کشی در غزه کمک می‌کند، نمی‌تواند عامل ایجاد صلح در منطقه باشد. بر همین اساس بود که دولت بایدن بعد از ساعات‌ها ایجاد وقفه در رأی‌گیری، در نهایت به‌صورت یک‌جانبه، قطعنامه پیشنهادی امارات برای آتش‌بس را وتو کرد.

در حال حاضر بسیاری از تحلیلگران حوزه بین‌الملل از انزوای آمریکا در عرصه جهانی سخن می‌گویند و معتقدند دولت بایدن برای حمایت از رژیم صهیونیستی بسیاری از شعارهای حقوق بشری خود را رسماً و علناً کنار گذاشت و از جنایات و نسل‌کشی‌ها در غزه حمایت می‌کند و حالا در انزوای کامل در دنیا قرار گرفته است. به غیر از ایالات متحده که رأی منفی به این قطعنامه داد و انگلستان که ترجیح داد رأی متنع به آن بدهد، باقی ۱۳ عضو شورای امنیت به این قطعنامه رأی مثبت دادند تا دنیا دیگر شاهد افزایش جنایت‌های صهیونیست‌ها در غزه نباشد. مسئله‌ای که در شرایط فعلی مطرح است، این است که رأی منفی آمریکا به این قطعنامه تا چه حد به وجهه این کشور و تا چه حد به وجهه سازمان ملل صدمه می‌زند؟ شاید ایالات متحده با بهانه‌های مختلف و با جوسازی‌های رسانه‌ای بعد از مدتی خود را در این عرصه موجه جلوه دهد، اما در نهایت آسیبی که به سازمان ملل و اعتماد عمومی در دنیا به حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی زد، به این زودی قابل جبران نیست. سازمان ملل هم‌اینک در قرن بیست‌ویکم و در شرایطی که مردم در تمام شهرهای مختلف دنیا در اعتراض به این نسل‌کشی اعتراض کرده و به خیابان‌ها آمده‌اند، نمی‌تواند گامی کوچک در

اوکراین در بن‌بست جمهوری خواهان

یک قدرت هسته‌ای مسئول است. جمهوری خواهان در هر صورت جلوی تصویب این بودجه را گرفتند و به‌جای حمایت از طرف‌های درگیر در جنگ بر لزوم اهمیت سیاست‌های مرزی سخت‌گیرانه‌تر از سوی دولت آمریکا تأکید کردند.

در همین حال، وال استریت ژورنال در گزارشی با بررسی وضعیت نیروهای مسلح اوکراین در میدان نبرد مقابل روسیه و وجود موفه‌های داخلی و خارجی دیگر، انجام یک ضدحمله گسترده توسط این کشور را تا سال ۲۰۲۵ بعید دانست. وال استریت ژورنال در این مطلب با تجزیه و تحلیل مشکلاتی که اوکراین باید در میدان نبرد مقابل روسیه با آن دست‌وپنجه نرم کند، نوشت: «کی‌یف که از یک‌سو با تردید غرب برای تداوم حمایت اقتصادی و نظامی مواجه شده، از سوی دیگر با موجی از ناامیدی فزاینده همراه با شکاف‌های سیاسی داخلی روبه‌رو است. از همین رو، برخی دیپلمات‌های غربی و استراتژیست‌های نظامی در گفت‌وگو با این روزنامه تأکید کردند که نیروهای مسلح اوکراین

برای بهبود وضعیت خود به زمان نیاز دارند و لذا انجام یک ضدحمله گسترده تا سال ۲۰۲۵ بعید دانستند. ولودمیر زلنسکی، رئیس جمهوری اوکراین، در ۲۹ نوامبر ۲۰۲۳ (۸ آذر) دستور ساخت یک شبکه گسترده از استحکامات نظامی را برای کمک به سربازان در حفظ خط مقدم داد که به نوشته این روزنامه نشانگر تغییر چشمگیر رویکرد کی‌یف در جنگ مقابل روسیه است.

به عقیده نویسنده این مطلب، تصمیم جدید زلنسکی نشان‌دهنده قابلیت‌های کی‌یف برای بازپس‌گیری بخش زیادی از قلمرو خود زیر سؤال رفته و این امر به‌ویژه با تقویت قوای روسیه در میدان جنگ و عرصه دیپلماتیک به دستور «ولادیمیر پوتین»، رئیس جمهوری این کشور قابل تأمل است.

«دیمیتری کولبا»، وزیر امور خارجه اوکراین در همین زمینه به وال استریت ژورنال گفت: «هرگونه توقف در جنگ این امکان را برای مسکو فراهم می‌کند تا با تجدید قوا دوباره سازماندهی نماید و برای عملیات تهاجمی در مقیاس بزرگ آماده شود.»

تصویب نشود، به‌احتمال زیاد، روسیه به یکی از کشورهای عضو ناتو حمله خواهد کرد و جنگ اوکراین به یکی از کشورهای اروپایی نیز کشیده خواهد شد. نمایندگان مجلس سنا اما اعلام کردند این صحبت‌ها و تبلیغات جنگی را نمی‌پذیرند و حاضر نیستند بودجه دیگری برای اوکراین در نظر بگیرند. آنها در عین حال چنان مخالفتی با این مسئله نشان دادند که مسئولان کنگره آمریکا مجبور شدند سخنرانی از پیش تعیین شده «زلنسکی»، برای جلب نظر نمایندگان در تأمین بودجه جنگ را در دقایق آخر لغو کنند. زلنسکی نیز پیش از این هشدار داده بود که شکست اوکراین در جنگ با روسیه، در واقع همان شکست غرب و کل اروپا در برابر روسیه است و در این صورت، هیچ کشور اروپایی از تهدید روسیه در امان نخواهد بود. این صحبت‌ها و سخنرانی اخیر بایدن در تهدید خواندن روسیه برای کل اعضای ناتو، با واکنش شدید روس‌ها مواجه شد. روسیه در واکنش به این صحبت‌ها عنوان کرد اظهارات بایدن درباره درگیری‌های احتمالی میان ایالات متحده آمریکا و روسیه «لفاظی تحریک‌آمیز و غیر قابل قبول برای

پیوند زدن کمک‌های مالی آمریکا به رژیم صهیونیستی به ماجرای تأیید کمک‌های مالی و نظامی به اوکراین، روندی پیچیده را برای تصویب این حمایت‌ها در کنگره آمریکا رقم زده است. جمهوری خواهان در کنگره که جنگ اوکراین را «جنگ بایدن» می‌دانند و نه جنگ آمریکا، حاضر نیستند بودجه بیشتری برای ادامه این جنگ به دولت بایدن بدهند. دولت بایدن اما هر بودجه‌ای را برای کمک نظامی و مالی به رژیم صهیونیستی، به تصویب شدن کمک‌های مالی به اوکراین پیوند زده تا بلکه اطمینان باید فشارها بر جمهوری خواهان برای تصویب بودجه کمک به رژیم صهیونیستی، در نهایت به تصویب بودجه برای اوکراین نیز ختم خواهد شد. هفته گذشته اما جمهوری خواهان سنا نشان دادند که حاضر نیستند این نقشه بایدن را اجرایی کنند و لایحه کمک به اوکراین و رژیم صهیونیستی، با هم در این مجلس رد شد.

بایدن از هر راهکاری که می‌توانست، برای جلب نظر نمایندگان مجلس سنا استفاده کرد. او حتی تهدید کرد که در صورتی که این بودجه

۱۳
جهان

شماره ۱۱۲۱ | دوشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۲

صداقت

پیشخوان

نگرانی آمریکا از برنامه فضایی چین



روزنامه واشنگتن پست در گزارشی مفصل به برنامه فضایی چین پرداخته و عنوان کرده است که مقامات پنتاگون به‌شدت درباره این برنامه نگرانی دارند؛ زیرا معتقدند چین ممکن است از این برنامه فضایی در راستای اهداف دفاعی و تهاجمی نیز استفاده کند. این روزنامه با اشاره به تأسیسات فضایی چین در کشور بولیوی که شامل ماهواره‌های بزرگ رصد فضاست، خاطر نشان کرده است که از این تأسیسات در راستای فعالیت‌های نظارتی بر منافع ایالات متحده در سراسر نقاط جهان نیز می‌توان استفاده کرد و همین مسئله باعث نگرانی مقامات پنتاگون شده است. این مقامات نگران هستند که سایر تأسیسات فضایی چین در حوزه آمریکای لاتین و همچنین قطب جنوب، که در ظاهر برای اهداف غیرنظامی استفاده می‌شود، بتواند در امور نظامی نیز به کار رود و باعث افزایش نظارت چین بر نیم‌کره جنوبی و در نزدیکی ایالات متحده شود. چین هم اینک بیش از ۷۰۰ ماهواره در فضای زمین دارد و برنامه دارد تا در سال‌های آتی این تعداد را افزایش دهد. در عین حال، غیر از دو تأسیسات فضایی مستقر در بولیوی، چین در ونزولا، شیلی و برزیل نیز پایگاه فضایی دارد.

استعفای وزیر مهاجرت انگلستان



«رابرت جنریک»، وزیر مهاجرت بریتانیا، چهارشنبه گذشته از مقام خود کناره‌گیری کرد. جنریک که از اکتبر گذشته وزیر مهاجرت بود، پس از رد درخواستش از نخست‌وزیر «ریشی سوناک» برای انصراف بریتانیا از کنوانسیون حقوق بشر اروپا و هم‌زمان با انتشار پیش‌نویس لایحه اضطراری فرستادن پناهجویان غیرقانونی به رواندا، استعفاش را ارائه کرد. این لایحه قرار است به‌زودی در مجلس عوام بریتانیا به رأی گذاشته شود و براساس آن رواندا برای اسکان پناهجویان یک کشور «امن» شناخته شده است. «لایحه ایمنی رواندا» که یک روز پس از امضای معاهده جدید بریتانیا با رواندا منتشر شد، برای غلبه بر حکم دادگاه عالی بریتانیا مبنی بر غیرقانونی بودن طرح پیشنهادی دولت برای فرستادن هزاران پناهجو به این کشور آفریقای شرقی طراحی شده است. بنابر اعلام دولت بریتانیا، این لایحه «سخت‌ترین قانون مهاجرتی است که تاکنون ارائه شده» و به‌سرعت از طریق پارلمان پیگیری خواهد شد. هدف از لایحه اضطراری این است که قانون حقوق بشر بریتانیا و «هر نوع قید یا قانون داخلی یا تفسیر دادگاه یا محکمه از قوانین بین‌المللی» مانع فرستادن پناهجویان به کشور دیگر نشود. این لایحه به قضات دستور می‌دهد برخی از بخش‌های قانون حقوق بشر و «هر ماده یا قیدی از قوانین داخلی و هر گونه تفسیری توسط دادگاه یا محکمه از قوانین بین‌المللی» را نادیده بگیرند.

موضع انگلیس

«ریشی سوناک»، نخست‌وزیر انگلیس در پاسخ به پرسش یک نماینده حزب محافظه‌کار درباره موضع انگلیس در خصوص تحقیقات دیوان کیفری بین‌المللی پیرامون جنگ غزه، گفت دولتش همواره بر لزوم احترام به حقوق بشر دوستانه بین‌المللی تأکید داشته است. سوناک در ادامه اظهار کرد که در گفت‌وگو با نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی تأکید کرد همه طرفین باید گام‌های لازم را برای اجتناب از تلفات میان غیرنظامیان اتخاذ کنند. نخست‌وزیر انگلیس در این تماس تلفنی در خصوص پایان آتش‌بس جنگ غزه ابراز ناامیدی کرده و از رژیم صهیونیستی خواست از جان غیرنظامیان محافظت کند.



ضمانت از ارمنستان

«الهام علی‌اف» رئیس جمهور جمهوری آذربایجان در سخنرانی در مجمعی با عنوان «قره‌باغ» گفت: «قره‌باغ پس از ۳۰ سال به خانه بازگشت. ما به ضمانت‌های محکم و تأییدشده نیاز داریم که هیچ تلاشی برای تلافی‌جویی از سوی ارمنستان صورت نخواهد گرفت.» علی‌اف ادامه داد: «از آنجایی که می‌دانیم در ارمنستان چه اتفاقی می‌افتد و همچنین می‌دانیم که ارمنستان مشاوران بسیار بدی در برخی از پایتخت‌های اروپایی دارد، به این تضمین نیاز داریم.» رئیس جمهور جمهوری آذربایجان خاطر نشان کرد: «باید تضمین داشته باشیم که دیگر جنگی بین دو کشور رخ نخواهد داد.»



